

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)

فنی دوم - از مقاله دوم

از کتاب الفهرست

در اخبار علما و مشتمل بر اخبار نحویان و لغویان

کوفه

محمد بن اسحاق گوید: اینکه بصریان را مقدم آوردیم برای این است که عربیت در ابتداء از ایشان گرفته شده و شهر بصره نیز قدیمی تر از کوفه است.

اخبار رواسی

بخط ابوالطیب اخی الشافعی خواندم: نام رواسی محمد بن ابو ساره، و کنیه اش ابو جعفر بود، و چون سری بزرگ داشت رواسی نامیده شد، و برای آنکه در نیل^۱ اقامت داشت، نیلی خوانده میشد.

و او اولین نفر از کوفیان است که در نحو کتابی تألیف کرد. ثعلب گوید: رواسی سمت استادی را بر کسائی و فراء داشت. و فراء میگفت وقتیکه کسائی روانه بغداد شد. رواسی بمن

۱- نیل رود مصر، و نام دهی در کوفه، و شهری میان بغداد و واسط (فرهنگ نفیسی)

گفت: کسائی رفت، و حال آنکه تو بیشتر ترازوی توانگری داری^۱. من نیز بیغداد آمده و کسائی را دیدم و چند مسئله از مسائل رؤاسی را از وی پرسیدم، و او جوابهایی خلاف آنچه میدانستم داد. من بگروهی از علماء کوفه که همراه بودند چشمکی زدم، گفت: چرا بدت آمد مگر تو هم از کوفیان هستی. گفتم آری. گفت رؤاسی چنین و چنان گوید، و صحیح نباشد و من شنیده‌ام که عرب چنین و چنان گویند، تا رسید بآن مسائلی که من میدانستم، و او را مجاب نمودم. رؤاسی مرد نیکوکاری بود و خود رؤاسی میگفت: خلیل کسی را نزد من فرستاد، و کتاب مرا خواست^۲ من نیز آنرا برایش فرستادم، و او آنرا که خواند، کتاب خود را تألیف کرد. و باز گوید: در کتاب سیبویه، قال الکوفی اشاره بر رؤاسی است. ابن درستویه گوید: ثعلب عقیده داشت رؤاسی اولین نفر از نحویان کوفه است که در نحو کتاب تألیف کرد. وفاتش... و این کتابها از اوست: کتاب الفیصل - که گروهی آنرا روایت کرده‌اند. کتاب التصغیر. کتاب معانی القرآن، که هنوز روایت میشود. کتاب الوقف والابتداء الکبیر. کتاب الوقف والابتداء الصغیر.

اخبار معاذ الهراء

بنوشته ابو الطیب اخی الشافعی، معاذ الهراء (عموی رؤاسی) نامش ابو مسلم معاذ الهراء و کنیه اش را ابو علی نیز گفته‌اند، و برده محمد بن کعب قرطبی است، پدرش او را مکنی با ابو مسلم داشته بود. بعد فرزندش پیدا کرد و او را علی نامید و همان را کنیه خود قرار داد، معاذ با کمیت دوستی داشت و او را نصیحت میکرد که از کار گذاری برای خالد قسری کناره گیرد، و میگفت او تعصب شدید علیه مضریان دارد، و لی کمیت نمیپذیرفت، و همینکه خالد او را دستگیر، و زندانی ساخت، معاذ اندوهگین شده و گفت:

نَصَحْتُكَ وَالنَّصِيحَةَ ان تَعَدَّتْ	هَوَى الْمَنصُوحِ عَزَّ لَهَا الْقَبُولُ ^۳
فَخَالَفْتُ الَّذِي لَكَ فِيهِ رُشْدٌ	فَقَالَتَ دُونَ مَا أَمَلْتَ غَوْلُ ^۴
وَعَادَ خِلَافَ مَا تَهَوَّى خِلَافًا	لَهُ عَرَضَ مِنَ الْبَلْوَى وَ طُولُ ^۵

بکمیت که این گفته رسید، باو نوشت:

۱- ف (وانت اسن منته) جب (وانت امر منته) و امر بمعنی برکت یافته در مال و نسل است (فرهنگ نفیسی).

۲- ف (یطلب کتابی) جب (یطلب کتابی).

۳- تورا پندی دادم و پند از آرزوهای شنونده که فزونتر شد قبولیش بر او گران آید.

۴- مخالفت با آنچه که صلاح دید خودت بود نمودی بی آنکه بدانی بمهلکه در افتاده‌ای.

۵- و بعکس آرزوهاییکه داشتی، و از گونیهای برایت رویداد که عرض و طول زیادی پیدا کرد.

أَرَاكَ كَمَهْدِي الْمَاءِ لِلْبَحْرِ حَامِلًا أَلَى الرَّمْلِ مِنْ بَيْرِينَ مُتَجَرًّا رَمَلًا^۲

معاذالهرآء تادوران برمکیان حیات داشت . و در روزگار یزید بن عبدالملک بدنیآ آمده ، و در همانسال بدبختی برمکیان ، سال یکصد و هشتاد و هفت ، درگذشت ، و او را فرزندان و نوادگانی بود که پیش از وی و در حیات او وفات یافتند ، و کتابی از او بدست نیامده است .

اخبار کسائی

ابوالحسن علی بن حمزة بن عبدالله بن عثمان ، و بقولی بهمن بن فیروز ، کنیه اش را ابو عبدالله گفته اند و از کوفیانی بود که از رؤاسی ، و گروهی آموخت ، و بیغداد که آمد ، رشید او را نزد فرزندان خود مأمون و امین گذاشت . بخط ابوالطیب خواندم : رشید از جای بلندی کسائی را نگاه میکرد و او رشید را نمیدید . کسائی برای حاجتی از جای برخواست تا کفشهای خود را بپوشد ، امین و مأمون پیش دستی نموده و کفشهای او را مقابلش گذاردند کسائی سر و دست هر دو را بوسیده و قسم داد که دیگر چنین کاری نکنند . رشید بجایگاه خود برگشت ، و بحاضران گفت ، چه کسی گرامیترین خادمان را دارد ، گفتند ، امیرالمؤمنین اعزه الله ، گفت نه ، او کسائی است که امین و مأمون ویرا خدمت کنند ، و قصه را بر ایشان نقل کرد .

زمانیکه بیماری کسائی در ری شدت یافت ، رشید بعیادتش میرفت ، روزی این شعر را از او شنید :

قَدْرًا أَحَلَّكَ ذَا النَّخِيلِ وَ قَدَارِي وَ أَيْكَ مَالِكَ ذُو النَّخِيلِ مُقَامًا^۳

الْأَكْدَارِ كَمْ^۴ بَدِي نَفَرِ الْحَمِي

رشید که بیرون آمد ، گفت بخدا سوگند ، کسائی در گذشت . پرسیدند چگونه یا امیرالمؤمنین ، گفت خود او برای من حکایتی نقل کرده بود که یک اعرابی بیروی فرود میآورد ، وقتی در منزلش بیمار شد باین شعر تمثل جسته و در خانه اش وفات یافت ، و گویند در همان روز کسائی از دنیا رفت . سبب نامیده شدن کسائی باین نام آن بود که وی با کساء^۶ رودباری^۷ بمجلس معاذالهرآء میآمد ، در حالیکه دیگران بر تن پیرایه هائی داشتند .

۱- بیرین ، شنزار وسیعی است در شمال شرقی حجر یمامه (معجم البلدان) .

۲- تو را چنان کسی بینم که بدریا آب آورد و شن را بتجارت بیبرین برد .

۳- ای صاحب نخلستان قدر بر تو فرود آمده و بپدرت سوگند دیگر نمی بینم تو را در

آن نخلستان جایگاهی باشد . ۴- ف (بدار کم) .

۵- مگر مانند همان خانه هائی که پناهگاه نفراتی بوده و هیهات که زیارت کنندگانی

هم ندارند . ۶- کساء گلیم است (فرهنگ نفیسی) . ۷- ف (ورداء) جب

(رودباری) و رودبار بلوکی است در کوهستان ری (فرهنگ نفیسی) .

کسائی در سال یکصد و نود و هفت درری وفات یافت. و در يك روز با ابویوسف قاضی بخاک سپرده شدند و این کتابها از اوست : کتاب معانی القرآن . کتاب مختصر النحو . کتاب القرات . کتاب العدد ، کتاب النوادر الکبیر . کتاب النوادر الاوسط . کتاب النوادر الاصغر . کتاب مقطوع القرآن و موصوله . کتاب اختلاف العدد . کتاب الهجاء ... کتاب المصادر . کتاب اشعار المعایات و طرائقها . کتاب الهات المکنی بها فی القرآن . کتاب الحروف .

نصیر ابن یوسف

مصاحب کسائی ، و از نحویان و لغویان بود . از کتابهای اوست : کتاب الابل . کتاب خلق الانسان .

و از علماء کوفه

ابوالحسن احمد راست^۲ نه خلف . گویند از کسائی هم گذشته^۳ و برتری بر او پیدا کرد . وی از رؤاسی آموخته ، و بر کسائی قرائت داشته و این کتابها از اوست . کتاب التصریف . کتاب یقین البلاء . و از علماء و راویان کوفه ، خالد بن کلثوم کلبی است ، که از راویان اشعار ، و دانا با نساب و القاب و سرگذشتهای مردم بود . و بنوشته ابن کوفی : در اشعار و قبائل هنرمندی داشت ، و کتاب الشعراء المذكورین . کتاب اشعار القبائل . از اوست که مشتمل بر چند قبیله است (از آن جمله ...).

اخبار فرآء

ابوزکریاء یحیی بن زیاد فرآء ، برده بنی منقر ، و در کوفه بدنیا آمده است . سامه نام فرآء راعیسی ، و یوسفی ، یحیی بن زیاد بن قرانحت (بن داور بن کردناد) نوشته اند . ابو عبدالله بن مقله از قول ابوالعباس ثعلب نوشته است ، سبب املاء کتاب فرآء در معانی آن بود ، که عمر بن بکیر ، مصاحب فرآء ، بحسن بن سهل پیوست ، و بفراء نوشت ، امیر حسن بن سهل ، بسا اوقات از من چیزهایی از قرآن میپرسید که جوابی برای او حاضر ندارم . اگر صلاح بدانی ، اصولی را ترتیب داده ، یا آنرا بصورت کتاب در آور ، تا بآن مراجعاتی داشته باشم ، و بهمان گونه رفتار کنم . فرآء اصحابش را خواند که بیایند تا کتابی در قرآن برایشان

۱- ف (نصر) . ۲- ف (احمد) و بهمین جهت نوشته (نه خلف) یعنی خلف احمد نیست و ف (یخلف) دارد .

۳- ف (قیل و بعد الکسائی) جب (قیل و تعد الکسائی) .

املا نماید ، و روزی برای این کار مقرر داشت . در آن روز که همه حاضر شدند و فراء به ایشان درآمد ، به پیرمردی که در مسجد اذان میگفت و مردم را قرائت نمازمیآموخت گفت : فاتحة الكتاب را بخوان ، و او تفسیر نمود و بهمین گونه آن مرد تمامی قرآن را خواند . و او تفسیر کرد .^۱

ابوالعباس گوید : پیش از فراء کسی چنین کاری را نکرده ، و گمان نمیرود ، کسی بتواند چیزی بر آن بیفزاید . و باز گوید : سبب اعلاء حدود نیز آن بود که گروهی از اصحاب کسایی نزد او جمع شده ، و تقاضا کردند که مبنای نحو را برایشان املا نماید . و او باین کار شروع کرد ، در مجلس سوم . بهم گفتند اگر کار بدینگونه ادامه یابد ، کودکان نیز نحو را فرا گیرند ، و راه چاره در این است که از حضور خودداری نمائیم ، و چنین کردند ، فراء بخشم درآمد و گفت : از من خواستند که برایشان جلسه داشته باشم ، و همینکه نشستم درآمدن تأخیر روا داشتند ، بخدا سوگند اگر دو نفر حاضر شوند ، من نحو را املا خواهم نمود ، و شانزده سال نحو را املا داشت ، بی آنکه در دستش کتابی دیده شود ، جز يك مرتبه ، که آنهم نسخه کتابی بود که مراجعه بآن لازم آمده بود .

ابوالعباس گوید : فراء در مسجدی که کنار خانه اش بود می نشست ، و نزدیک باو واقدی جلساتی داشت . فراء در تألیفات و تصنیفاتش فلسفه بافی میکرد ، و گفتار فلاسفه را در الفاظ خود میگنجانید . و بیشتر اوقات در بغداد بود ، و پول اندوخته میکرد . سال که بآخر میرسید ، بکوفه میرفت و چهل روز در آنجا میان خانواده اش میگذرانید ، و اندوخته های خود را میانشان تقسیم و احسان مینمود . از اشعارش چیزی بدست نیامد جز این ابیات ، که ابوحنیفه دینوری از طوال روایت کرده است :

يَا أَمْرًا عَلِيٌّ جَرِيْبٌ مِنَ الْأَر	ضٌ لَهَا تَسَعَةٌ مِنَ الْحُجَابِ ^۲
جَالِسًا فِي الْخَرَابِ يَحْجِبُ عَنْهُ	مَا سَمِعْنَا يَحَاجِبُ فِي خَرَابِ ^۳
لَنْ تَرَانِي لَكَ الْعُيُونُ بِيَابِ	لَيْسَ مِثْلِي يَطْبِقُ رَدَّ الْحُجَابِ ^۴

فراء سال دوست و هفت ، در راه مکه وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب معانی

۱- ف (فتح) اقراء بفتح الكتابة فسر هاتم نوفي الكتابة كله فقراء الرجل ويفسر الفراء) جب اقرا بفتح الكتابة فسر هاتم مرفى الكتابة كله يقراء الرجل و يفسر الفراء) .
 ۲- ای امر بر يك جریب زمین که نه نفر دربان برای خود گذاشته . ۳- در حالیکه در خرابه نشسته ویرا دربانی کنند . ما شنیده ایم خرابه دربانی داشته باشد . ۴- دیدگانی مرا بر چنین دری نخواهد دید زیرا مثل من کسی نمیتواند حاجبان را رد نماید .

القرآن . که برای عمر بن بکیر تألیف کرد و چهار جزء است . کتاب البهی . برای عبدالله بن طاهر تألیف کرد . کتاب اللغات . کتاب المصادر فی القرآن . کتاب الجمع والتثنية فی القرآن . کتاب الوقف والابتداء . کتاب الفاخر . کتاب الالكاتب^۱ . کتاب النوادر ، که سلمه (و) ابن قادم آنرا روایت کرده اند . کتاب فعل وافعل . کتاب المقصور والممدود . کتاب المذکر والمؤنث .

نامهای حدود فراء

بترتیب نوشته سلمه بن عاصم

حد اعراب در اصول عربیت . حد نصب متولد از فعل . حد معرفه و نکره . حد مررت^۲ حد عدد . حد مذومند و هل^۳ حد عماد . حد فعل واقع ، حد ان^۴ و اخوات آن . حد کی و کیلا . حد حتی . حد اغراء . حد دعاء . حد دونون شدید و خفیفه . حد استفهام . حد جزاء . حد جواب . حد الذی ومن وما . حد رب^۵ و کم . حد تبریه و تمنی^۴ . حد نداء . حد ندبه . حد ترخیم ، حد ان مفتوحه . حد اذا و اذا . حد ما لم یسم فاعله . (حد لوترکت و رایک) . حد حکایت . حد تصغیر . حد نسبة^۵ حد هجاء . حد راجع الذکر . حد فعل رباعی . حد فعل ثلاثی . حد معرب ازدوجا . حد ادغام . حد همز . حد ابنیه . حد جمع . حد مقصور و ممدود . حد مذکر و مؤنث ، حد فعل و افعل ، حد نهی . حد ابتداء و قطع . حد یجری و ما لا یجری^۶ .

مشاهیر اصحاب فراء

ابن^۷ قادم . ابو جعفر محمد بن قادم ، از اصحاب فراء ، و آموزگار معتز پیش از خلافتش بود ، و همین که معتز بخلافت رسید ، کسی را بدنبال وی فرستاد ، و آن شخص بمنزل وی ، که سالخورده شده بود ، در آمده و گفت : از طرف امیر المؤمنین آمده ام : ابن قادم پرسید مگر امیر المؤمنین در بغداد نیست ، و مرادش مستعین بود ، فرستاده خلیفه گفت : نه ، معتز سرکار آمده است . و چون معتز برای تأدیبی که ابن قادم از او کرده بود ، در دل کینه نسبت بوی داشت ، و ابن قادم نیز از انتقام جوئی او هراسان بود . بزنش گفت^۸ خدا حافظ ، و از خانه بدر شد و دیگر برنگشت .

و این واقعه در سال دو یست و پنجاه و یک بود ، این کتابها از اوست : کتاب غریب الحدیث کتاب مختصر نحو . کتاب الکافی فی النحو .

۱- ف (الکتاب) . ۲- ف (من ورب) . ۳- ف (ملازمه رجل) ۴- ف (الثنویة والمثنی) .

۵- ف (التثنیة) . ۶- ف (یجزی و ما لا یجزی) . ۷- ف (ابو) . ۸- (فقال لعناله)

جب (فقال لعناله) .

سلمة بن عاصم

کنیه اش ابو محمد، و یکی از علماء کوفیان، و راویه مورد اعتماد و عالم بنحو بود، و تمام کتابهای فراء را روایت کرده، و از وی جدائی نداشت. وفاتش ... و این کتابها از اوست: کتاب غریب الحدیث. کتاب الحلول فی النحو.

طوال

نامش ... و کنیه اش ابو عبدالله، و کتابی از او دیده نشده است، ابو العباس ثعلب گوید: طوال (در آموزش) عربیت مهارت داشت. وسلمة مراقبت در ادا مطلب کتاب مینمود، و این قادم در تشخیص علل، خوش فکر بود.

اخبار ابو عمرو شیبانی

نام ابو عمرو، اسحق بن مرار - بکسر میم - شیبانی است که برده آنان بود، و در منازل بنی شیبان کودکانشان را درس میداد. از این رو برای دوستی که با آنان داشت، و بقولی برای همسایگی، و تربیت فرزندانشان ویرا بشیبانیان منسوب داشتند. وی راویه با اطلاع بلفت و شعر، و مورد اعتماد در حدیث بود، مسموعاتش زیاد، و دیوان اشعار قبائل تماماً از وی گرفته شده است.

فرزندان و نوادگانش، کتابهای ویرا روایت کردند، و یکی از فرزندان عمرو بن ابو عمرو است که راوی او بود و از وی آموخت، و در لغت کتابهایی تصنیف کرد که از آن جمله: کتاب الخیل، کتاب اللغات. کتاب النوادر، کتاب غریب الحدیث، و کتاب غریب المصنف است.

گوید^۲ احمد بن حنبل همیشه در مجلس ابو عمرو شیبانی حاضر میشد، و در حدیث روایتهایی از وی دارد. قاضی ابوالحسن هاشمی گوید: علی بن حسین قرشی از حزنبل، برای ما حکایت کرد که عمرو بن ابو عمرو گفت پدرم اشعار بیش از هشتاد قبیله را جمع آوری نمود، و شعر هر قبیله ایرا که جمع کرده و در دسترس مردم قرار میداد. يك قرآن مینوشت. و در مسجد کوفه میگذاشت، و بیش از هشتاد قرآن بخط خودنوشت. ابو عمرو شیبانی صدوده سال عمر کرد و در سال دوست و شش وفات یافت، یعقوب بن سکیت گوید: ابو عمرو شیبانی در سن صد و هجده سالگی در گذشت، و تا هنگام مرگ با دست خود مینوشت. و چه بسا از من که جوان بودم و از وی میآموختم، و کتابهایش را رونوشت میکردم، کتابی بعاریت میگرفت.

ابن کامل گوید: ابو عمرو سال دوست و سیزده در همان روزی از دنیا رفت که ابو عتاهیه، و ابراهیم موصلی وفات یافتند. و از کتابهای اوست: کتاب غریب الحدیث. که آنرا

۱- ف (ابو). ۲- مرجع ضمیر معلوم نیست، شاید خود مؤلف باشد.

عبدالله بن احمد بن حنبل، از پدرش احمد، از ابو عمرو، روایت کرده است. کتاب النوادر. معروف، بحروف الجیم، کتاب النخلة^۱، کتاب النوادر الکبیر. سه نسخه - (کتاب الابل). کتاب خلق الانسان. کتاب الحروف. کتاب شرح کتاب الفصح.

اخبار مفضل ضبی

ابوالعباس مفضل بن محمد بن یعلی بن عامر بن سالم بن (ابو) رمال، از بنی ثعلبه بن سید بن ضبه، و بنوشته یوسفی، بن ابوضبه است، و ابن کوفی کنیه ویرا عبدالرحمن نوشته، و گویند که او با ابراهیم بن عبدالله بن حسن خروج کرد، و منصور پس از پیروزی بر آنان، از گناهی چشم پوشید، و ویرا بملازمت مهدی گماشت. و او منتخبات اشعار موسوم بمفضلیات را برای مهدی تألیف کرد که صد و بیست و هشت قصیده، و شاید بیشتر و یا کمتر است و قصیده هایش را پس و پیش روایت کرده اند، ولی صحیح آن همانست که ابن اعرابی از وی روایت کرده و از شعر تابط شراً^۲ شروع میشود:

يَا عَيْدًا مَا لَكَ مِنْ شَوْقٍ وَأَبْرَاقٍ
وَمَرَّ طَيْفٍ عَلَى الْأَهْوَالِ طَرَّاقٍ^۳

وفات مفضل در سال ... و این کتابها از اوست: کتاب الاختیارات، که در بالا بیان اشاره شد. کتاب الامثال. کتاب العروض. کتاب معانی الشعر. کتاب الالفاظ.

اخبار ابن اعرابی

ابوعبدالله محمد بن زیاد اعرابی، و بخط ابوعبدالله بن مقله خواندم که ابوالعباس ثعلب میگفت: مجلس ابن اعرابی را دیدم که در حدود صد نفر در آنجا جمع شده و از وی پرسشها داشتند و بر او قرائت میکردند، و او بی آنکه کتاب در دست داشته باشد جواب میداد، و باز میگفت: و در حالیکه ملازمتش را داشتم هیچگاه کتابی در دست او ندیدم، و از هشتاد سال بیشتر عمر کرد و در سرمن رای وفات یافت.

۱- فی (النخلة).

۲- تابط شراً لقب ثابت بن جابر است که از دلاوران عرب و از قبیله مضر بن نزار بود (فرهنگ نفیسی).

۳- ای عمد تورا شور و غوغائی نباشد، و خیال خواب آلودی هستی که براهوال میگذری.

ابوالعباس گوید^۱ املاهایی که برای مردم نمود باندازه بار چندین شتر بود و در علم شعر، کسی پرمایه‌تر از وی دیده نشد. باز ابوالعباس گوید: او همه را دیده داشت. و قرائتش بر قاسم بن معن، و سماعش از مفضل بن محمد بود، و خود را ربیب مفضل میدانست زیرا مفضل مادرش را داشت. بخط ابن کوفی خواندم که ثعلب گوید: در سال دویست و پنج از ابن اعرابی شنیدم که میگفت، در همان شبی که ابوحنیفه وفات یافت، من بدنیا آمده‌ام. و وفات او در سال سی و یک بود و هشتاد یکسال و چهار ماه و سه روز زندگانی کرد.

و چون نامی از قاسم بن معن در اینجا برده شد مقتضی میدانیم سخنی در باره او بگوئیم. برای آنکه ابو عبدالله بن اعرابی از وی آموخته بود.

قاسم فرزند معن بن عبدالرحمن عبدالله بن مسعود است، و مهدی او را بقضاوت گمارد. و کیع گوید: قاسم بیش از هر کس شیفته ادب بود و بسیار جوانمردی داشت. در حدیث با اهلش، و در فتوی با اهلش، و در شعر با اهلش و در اخبار با اهلش، و در کلام با اهلش، و در نسب با اهلش، مناظره میکرد. و همیشه با ابوحنیفه مجالست مینمود. بوی گفتند: آیا رضایت داری^۲ که در شمار غلامان ابوحنیفه در آئی، گفت مردم با هیچ کس مجالستی بسودمندی مجالست با ابوحنیفه را نداشته‌اند.

ابن اعرابی در سال (دویست) و سی یک وفات یافت. و این کتابها از اوست: کتاب النوادر، و این کتاب را گروهی مانند: طوسی، ثعلب، و دیگران از وی روایت کرده‌اند. و گویند دوازده روایت و بقولی نه روایت دارد. کتاب الانواء. کتاب صفة النخل^۳. کتاب صفة الزرع. کتاب الخیل. کتاب مدح القبائل، کتاب معانی الشعر. تفسیر الامثال^۴. کتاب النبات. کتاب الالفاظ. کتاب نسب الخیل. کتاب نوادر الدبیرین^۵. کتاب نوادر بنی ققمس. کتاب الذباب که بخط سکری (آنها دیده‌ام). کتاب النبت و البقل.

ابن اعرابی از گروهی از فصحاء اعراب مانند صموتی، و ابو مجیب^۶ و ربعی نیز روایت کرده است.

ثابت بن ابو ثابت

ابو محمد ثابت بن ابو ثابت، و نام ابو ثابت سعید، و سکری نام ابو ثابت را محمد نوشته

۱- ابوالعباس مطلق در اینجا ثعلب است.

۲- ف (اوصی) جب (انرضی).

۳- ف (النخل). ۴- ف (القبائل).

۵- ف (الدبیرین). ۶- ف (ابوالمجیب).

و اواز لغویانی بود که فصحاء اعراب را دیده ، و از آنان آموخته ، و از بزرگان کوفه بشمار میرفت، وفاتش ... و این کتابها از اوست : کتاب خلق الانسان ، کتاب الفرق . کتاب الزجر والدعا . کتاب خلق الفرس . کتاب الوحوش . کتاب مختصر العربیه .

ابن سعدان

ابوجعفر محمد بن سعدان نایبنا . آموزگار همگانی ، ویکی از قاریان قرآن بقرائت حمزه بود ، سپس برای خود قرائتی اختیار کرده که اصل و فرع را از دست داد ، ولادتش در بغداد و پیرو مذهب کوفیان بود . و در روز عرفه سال دویست و سی و یک وفات یافت . از کتابهای اوست : کتاب القراءات^۱ . کتاب مختصر النحو . و قطعۀ در حدود ، مانند : حدود فراء دارد که مردم بآن رغبتی ندارند .

هشام ضریر

هشام بن معاویه نایبنا ، مکنی بابوعبدالله ، از اصحاب کسائی است و در حدود قطعۀ دارد که مقداری از آنرا بخط ابوجعفر طبری ، و دیگران دیده ام ، و مورد پسند نیست . از کتابهای اوست : کتاب المختصر . کتاب القیاس .

خطایی

کنیه اش ابومحمد ، نامش عبدالله بن حرب خطاب ، از نحویان کوفه ، و معروف بخطایست . و این کتابها از اوست : کتاب النحو الکبیر . کتاب النحو الصغیر . کتاب المکتم^۲ فی النحو . کتاب عمود النحو و فصوله .

سرخسی

نامش عبدالعزیز بن محمد : کنیه اش ابوطالب . و بخط ابن کوفی خواندم که همسایۀ هشام ضریر بود و در مسجد ترجمانیه مجلس داشت . از کتابهای اوست : کتاب فی النحو الکبیر - نایاب است .

ابن مردان کوفی

ابوموسی عیسی بن مردان . و بخط ابن کوفی خوانده ام ، که او از ابوطالب آموخته ،

۱- ف (القراءه) . ۲- ف (المکتم) .

و از او روایت می‌نمود . از کتابهای اوست : کتاب القیاس علی اصول النحو .

کرنبائی^۱ انصاری

نامش هشام بن ابراهیم کرنبائی^۲ و از کرنباست^۳ . از اصمعی و سایر کوفیان آموخت و کنیه‌اش ابوعلی بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الحشرات . کتاب الوحوش^۴ . کتاب خلق الخیل . کتاب النبات . (و مفضل از کرانبائی حکایت نموده است) .

اخبار ابن کناسه

ابومحمد عبدالله بن عیسی ، متولد سال یکصد و بیست و سه ، بخط ابن کوفی خواندم که او : ابویحیی محمد بن عبدالله بن عبدالاعلی اسدی است که از کوفه بی‌نقداد نقل مکان کرده و همانجا اقامت نموده ، و از بزرگان کوفیان آموخته ، و راویان شعراء و فصحاء بنی اسد را مانند : حری^۵ و ابوموصول ، و ابن صدقه ، که همه از بنی اسد بودند ملاقات کرده ، و از اینان شعر کمیت را آموخته بود .

ابن کناسه پسر خواهر ابراهیم بن ادهم زاهدی و از شعراء بشمار میرفت . و در کوفه روز سوم شوال سال دویست و هفتاد وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب الانواء . کتاب معانی - الشعر . کتاب سرقات الکمیت من القران و غیره .

سعدان بن مبارک

ابو عثمان سعدان بن مبارک ، کور و بردهٔ عانکه کنیز مهدی ، و زن معلا بن ایوب بن ظریف بود ، مبارک از اسیران طخارستان^۶ و سعدان از علما کوفیان و راویان آنان بشمار میرفت ، و از ابو عبیده که از بصریان بود گاهی روایت کرده است وفاتش و این کتابها از اوست : کتاب خلق الانسان . کتاب الوحوش . کتاب النقائص - بروایت از ابو عبیده کتاب الارضین و المیا . و الجبال و البحار . از این کتاب مقداری بخط ابن کوفی دیده‌ام .

طوسی

ابوالحسن علی بن عبدالله بن سنان تیمی ، عالم ، و راویة قبائل ، و اشعار فحول شعراء بود .

۱-۲- ف (الکرمانی) . ۳- کرنبا ناحیه‌ایست در اهواز که در آنجا میان خوارج و مردم بصره جنگی واقع شد (معجم البلدان) . ۴- ف (الوحش) . ۵- ف (جزی) . ۶- طخارستان - ولایتی است وسیع و بزرگ که شامل چندشهر میباشد (لغتنامه دهخدا) .

و مشایخ کوفیان و بصریان را دیده داشت ، و بیشتر با ابن اعرابی مجالست مینمود . و فرزندی دارد بنام ... که راه پدرش را در دانش و محفوظات پیمود . طوسی با ابن سکیت دشمنی میورزید چون هر دو از نصران خراسانی آموخته بودند و پس از وفات او ، بر سر کتابهایش اختلاف پیدا کردند . و طوسی تألیفاتی ندارد .

ابو عبید قاسم بن سلام

ابو عبید قاسم بن سلام ، و بقولی ، ابن سلام بن مسکین بن زید ، و (زید) حمالی میکرد ابو عبید سر وریش را حنا می بست و بسیار باوقار و هیبت بود ، در ابتداء ادب آموزی فرزندان هر ثمه ها را داشت . سپس در دوره نابت بن نصر بن مالک قضاوت طرسوس^۱ را پیدا کرد و همیشه با ثابت و فرزندان او بود . بعد بسوی عبدالله بن طاهر رفت . و بسیار فاضل ، و متدین ، و با شرم و خوش رفتار بود . از ابن اعرابی ، و ابو زیاد کلابی ، و اموی ، و ابو عمرو شیبانی و کسائی و فراء . و از بصریان ، از اصمعی ، و ابو عبیده ، و ابوزید . روایت کرده ، و اگر کتابی تألیف میکرد ، آنرا بعبدالله بن طاهر اهدا مینمود ، و او هم مال فراوانی برایش میفرستاد .

در سال دویست و بیست و چهار ، پس از آنکه هر چه را که میخواست تصنیف کرد ، بقصد حج از بغداد بمکه رفت و همانجا وفات یافت .

بخط ابن نحوی خواندم که نوشته است : علی ابن محمد بن صدقه کوفی ، از حماد بن اسحاق بن ابراهیم حکایت کرده است که ابو عبید بمن گفت : آیا کتاب غریب المصنف مرا پیدرت نشان داده ای ، گفتم آری ، و او بمن گفت که در آن دویست حرف تصحیف گردیده است . ابو عبید گفت ، در یک چنین کتابی دویست حرف تصحیف شده زیاد نیست . و این کتابها از ابو عبید است : کتاب غریب المصنف ، کتاب غریب الحدیث . کتاب غریب القرآن . کتاب معانی القرآن . کتاب الشعراء . کتاب المقصور والممدود . کتاب القراءات . کتاب المذکر و المؤنث . کتاب الاموال . کتاب النسب . کتاب الاحداث . کتاب الامثال السائرة . کتاب عدد آی القرآن . کتاب ادب القاضی . کتاب الناسخ و المنسوخ . کتاب الايمان والنذور . کتاب الحیض . کتاب فضائل القرآن . کتاب الحجر والتفلیس . کتاب الطهاره . و در فقه نیز کتابی دارد .

و از جمله اصحاب ابو عبید ، این اشخاص بودند که از وی روایت کرده و از وی آموخته اند : علی بن عبدالعزیز ، که در سال دویست و هشتاد و هفت وفات یافت . ثابت بن عمرو بن حبیب ، برده علی بن رابطه ، که تمام کتابهای او را روایت کرد . و مسعری^۲ بنام علی بن محمد بن وهب^۳ . که گوید : از ابو عبید شنیدم میگفت این کتاب را بیش از ده هزار دینار دوست دارم (و گوید سه مرتبه همین را از وی جو یا شدم ، و گفت آری بیش از ده هزار دینار دوست دارم) و مرادش کتاب غریب المصنف بود که شماره بابهایش چنانچه گویند - هزار باب ،

۱ - طرسوس - شهر است بشام و آباد (لغتنامه دهخدا) .

۲ - ف (المشعری) .

۳ - ف (وهب) .

و شاهدهای شعریش ، هزار و دوست بیت است .

نصران استاد ابن سکیت

گویند یعقوب بن سکیت از او آموخت ، و او سمت استادی ویرا داشت . و نصران گفته است که شعر کمیت را بر او حفص عمرو بن بکر قرائت کرده ، و ابن سکیت کتابهایش را در حفظ داشت ، و طوسی آنها را شنیده بود .

اخبار نزرخ^۱ عروضی

نزرخ^۲ برای آنکه محفوظاتی داشت و راویه بود ، بسیار دروغ میگفت ، و چه بسا که چیزی را از کسی و بعد همان را از دیگری نقل میکرد . ویونس نحوی میگفت : اگر نزرخ^۳ راوی تر از هر کسی نباشد ، دروغگو تر از همه میباشد . نزرخ از خصمان فضل بن یحیی بود . بخط ابوالطیب اخی الشافعی در اخبار علماء کوفه خواندم که نزرخ از کوفیان است . و از کتابهای اوست : کتاب العروض (بزرگ و کوچک) . کتاب بناء الکلام - آنرا بر پوست نوشته دیدم . کتاب النقص علی الخلیل و تغلیطه فی کتاب العروض . کتاب معانی العروض علی حروف المعجم . کتاب الاوسط فی العروض . کتاب تفسیر الغریب .

اخبار سکیت و فرزندش یعقوب

بنوشته ابن کوفی

کسائی که در گذشت ، اصحاب فراء جمع شده و از وی خواستند که جلساتی برایشان داشته باشد ، و گفتند تو دانایتر از همه ما میباشی ، فراء پذیرفت ، پس از التماس زیاد قبول کرده ، و لازم دانست بسلسله نسب هر يك از آنها آگاه شود تا بفراخور حال هر يك ترتیب نشستن او را بدهد . از سکیت که نسبش را پرسید ، جواب داد : خدایت تو را بنکوئی نگاهدارد ، من خوزی ازدهات دورق^۴ از شهرستان اهواز هستم . فراء چهل روز در خانه نشست . و خود را باصحابش نشان نداد . سبب را که از وی پرسیدند گفت : سبحان الله من (از دیدن) سکیت شرمنده میشوم ، زیرا نسبش را که پرسیدم او راستی را گفت . با اینکه خالی از زشتی نبود ، و خودش از علماء بود .

ابوالعباس ثعلب همیشه میگفت : یعقوب بن سکیت در انواع علوم دست داشت ، و پدرش از نیکان ، و خود او از اصحاب کسائی بود و نحو را بخوبی میدانست . و میگفت من در نحو

۱-۲- ف (برزخ) . ۳- ف (برزخ) .

۴- دورق - قصبه ایست در خوزستان (قاموس الاعلام ترکی) .

داناتراز پدرم هستم و پدرم در شعر ولغت از من داناتر بود . یعقوب ، کنیه اش ابویوسف ، و از علماء بغداد است که از کوفیان آموخته و ادب آموز فرزندان متوکل بود . و با متوکل سرگذشتهائی دارد . و نحو کوفیان و علم قرآن و شعر را خوب میدانست و فصحاء اعراب را دیده و از آنان آموخته و هر چه را که از آنها شنیده داشت در کتابهای خود آورده و مردی پرده پوش و متدین بود ، گویند تا سال دوست و چهل و شش که وفات یافت متوکل با و چیزهائی میرسانید .

یعقوب فرزندی بنام یوسف داشت که ندیم معتضد و از خاصان او گردید . و این کتابها را تألیف کرد : کتاب اصلاح المنطق . کتاب الامثال . کتاب القلب والابدال . کتاب الزبرج . کتاب البحث . کتاب المقصور والممدود . کتاب المذکر والمؤنث . کتاب الاجناس . بزرگ است . کتاب الفرق . کتاب السرج و اللجام . کتاب فعل و افعال . کتاب الحشرات (کتاب الاصوات) . کتاب الاضداد . کتاب الشجر و النبات . کتاب الوحوش . کتاب الابل . کتاب النوادر . کتاب معانی الشعر الکبیر . کتاب معانی الشعر الصغیر . کتاب المثنی والمبنی والمکنی . کتاب سرقة الشعر و ما اتفقوا فيه کتاب الايام والليالي . (کتاب ماجاء في الشعر و ما حرف عن جهته) .

حزنبل

ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن عاصم تمیمی ، راوی با علم بود و کتاب السراقات ابن سکیت را روایت کرده است .

اخبار ابو عصیده

احمد بن عبید (الله) بن ناصح ، از علماء کوفیان و قاسم انباری از وی روایت کرده و هنگامیکه متوکل خواست برای فرزندان منتصر و معتز ادب آموزی برگزیند ، کاتب خود ایتاخ را مأمور این کار نمود . او بدنبال طوال ، و احمر ، و ابن قادم ، و احمد بن عبید ، و چند نفر از ادباء فرستاد که نزد او حاضر شوند . احمد بن عبید که آمد در پائین مجلس نشست ، کسی که در کنارش نشسته بود ، گوید : بالاتر بروید . در جوابش گفت همین پائین مجلس خوبست . و همینکه همه حضور یافتند ، کاتب روپانها کرد ، و گفت ، اگر با هم مذاکراتی

بنمائید، تا ما پایه دانش شمارا بدست آورده و بتوانیم آنرا که میخواهیم انتخاب کنیم. آنها هم این شعر ابن غلفا^۱ را مطرح مذاکره قرار دادند :

ذَرِينِي إِنَّمَا خَطَّيْتُ وَ صَوَّبِي
عَلَى وَ إِنَّمَا أَنْفَقْتُ مَالٌ^۲

و گفتند^۳ - مال - بما^۴ مرفوع گردیده برای آنکه در جای - الذی - است . و خاموش شدند. احمد از پائین مجلس رو بآنها کرده و گفت: این در باره اعراب کلمه بود که گفتید، معنای آن چیست . همه دم فرو بستند، از او پرسیدند : پس تو چه معنایی را در نظر داری . گفت: مراد گوینده این است که : چرا بمن سرزنش دهید، من مال خودم را از دست داده ام نه ناموس خود را ، و در بخشش مال نباید سرزنش شوم . پیشخدمتی از بالای مجلس آمد ، دست او را گرفت ، و پا بپا تا بالای مجلس برده و گفت جای تو آنجا نبود. و او گفت: خوشتر دارم از اینکه در جایی نشسته باشم و مرا بیالاتر برند ، تا در جایی نشینم و مرا پائین تر از آنجا اندازند . و او با یکنفر دیگر که ابن قادم بود برگزیده شدند ، و این کتابها از تالیفات ابو عصیده^۵ است. کتاب المقصور والممدود . کتاب المذکر والمؤنث. کتاب الزیادات من معانی الشعر ليعقوب و اصلاحه . کتاب عیون الاخبار والاشعار .

اخبار مفضل بن سلمه

ابو غالب مفضل بن سلمه بن عاصم ، لغوی و از علمائی است که مذهب کوفیان را پیروی میکرد و خط خوبی داشت ، و جزو دسته فتح بن خاقان بود . و ابن اعرابی و سائر علماء را دیده ، و از خلیل در کتاب العین انتقاد و تخطئه نموده و در این باره کتابی تألیف کرده است، وفات مفضل در... و این کتابها از اوست : کتاب البارع فی علم اللغة . که حروف همزه ، هاء ، عین ، حاء ، غین ، و خاء آن بیرون آمد . کتاب الفاخر . کتاب العود والملاهی . کتاب جلاء الشبه . کتاب الطیف . کتاب ضیاء القلوب فی معانی القرآن - بیش از بیست جزء . کتاب معانی القرآن مفرد^۶ . کتاب الاشئاق . کتاب (البلاذ) والزرع والنبات والنخل و انواع الشجر .

۱- ف (ابن غلفا) .

۲- دست زمین بردار که خطا و صواب من برعهده خودم بوده و مال خودم را بخشیده ام .

۳- ف (فقال) جب (فقالوا) .

۴- ف (ارتفع ماں فانما هذه كانت موضع الذی) جب (ارتفع مال بما اذکانت موضع الذی) .

۵- جب (ابو جعفر) که کنیه ابو عصیده است .

۶- ف (مفرد) .

کتاب الفاخر فیما یلحن فیہ العامه^۱ . کتاب خلق الانسان . کتاب الة الکاتب^۲ کتاب المقصور والممدود . کتاب المطیب . کتاب المدخل الی علم النحو . کتاب الانواء والبوارح . کتاب الخط و القلم . کتاب عمائر^۳ القبائل - نازک . کتاب الرد علی الخلیل و اصلاح مافی کتاب العین من الغلط والمحال والتصحیف .

صعودا

از کوفیان است . نامش محمد بن هبیره اسدی ، کنیه اش ابوسعید ، یکی از علماء نحو ولغت بمذهب کوفیان ، و ویژه عبدالله بن معتمر بود . از کتابهای اوست : کتاب مختصر ما یستعمله الکاتب . و آن را بخط (ابن) حقانی و اصلاح ابن معتمر دیده ام . رسالته الی عبدالله بن المعتمر فیما انکرته العرب ابی عبید القاسم بن سلام و وافقته فیہ . رسالته فی الخط وما یستعمل فی البری والقط .

اخیار ثعلب

بنوشته ابن کوفی

احمد بن یحیی بن زید بن سیار ابوالعباس ثعلب . ابو عبدالله بن مقله نوشته است : ابوالعباس احمد بن یحیی میگفت : من مأمون را وقتیکه از خراسان آمد دیده ام ، و آن در سال دو یست و چهار بود که او از باب الحدید بقصد رفتن بکاخ رصافه بیرون آمد و مردم تا مصلی بدو صفایستاده بودند ، پدرم مرا در بنل داشت ، مأمون که گذشت مرا با دو دست بلند کرده و بمن گفت : این است مأمون و این سال چهار است . من آن را تا کنون بخاطر دارم و در آنوقت چهار ساله بودم . ابوالعباس گوید: در شانزده سالگی شروع بعربیت و شعر ولغت و نظر در آن نمودم ، و در عربیت حاذق گشتم و کتابهای فراء را (تماماً) بخاطر سپردم آنچنانکه حرفی از آن برای من ندانسته نبود ، و در این وقت بیست و پنج سال داشتم . (ومن بنحو بیش از چیزهای دیگر اهتمام میورزیدم و همینکه پایه آن را استوار نمودم بشعر و معانی و غریب پرداختم و قریب ده سال ملازمت ابو عبدالله ابن اعرابی را از دست ندادم) و باز گوید: روزی را بخاطر دارم که احمد بن سعید نزداو آمده بود ، من ، و گروهی مانند سدوسی^۴ آنجا

۱- احتمال تکرار این کتاب در (ف) میرود .

۲- ف (ما یحتاج الیه الکاتب) .

۳- ف (جما هیر) .

۴- ف (السكری) .

بودیم احمد بن سعید مدتی نشست ، و شعر شماخ بمیان آمد و در اطراف معانی آن مباحثه و سؤالاتی آغاز گردید و من بدون توقف جواب میدادم و ابن اعرابی گوش میکرد تا بیشتر آن اشعار مورد بحث قرار گرفت ، احمد بن سعید رو با بن اعرابی نمود و اظهار شگفتی از من کرد .

ابوالعباس در سال دو بیست و نود و یک وفات یافت ، و در کنار خانه اش نزدیک باب الشام^۱ بخاک سپرده شد ، این کتابها از اوست : کتاب المصون فی النحو - و آنرا بصورت حدود در آورد . کتاب اختلاف النحویین . کتاب معانی القرآن . کتاب الموقفی - مختصریست در نحو (کتاب ما یلحن فیہ العامة) . کتاب القرات . کتاب معانی الشعر . کتاب التصغیر . کتاب ما ینصرف و ما لا ینصرف . کتاب ما یجوی و ما لا یجوی^۲ . کتاب الشواذ . کتاب الامثال . کتاب الایمان و الدواهی . کتاب الوقف و الابتداء . کتاب استخراج الالفاظ من الاخبار . کتاب الهجاء . کتاب الاوسط - من آنرا دیده ام . کتاب غرائب القرات^۳ - نازک - کتاب المسائل . کتاب حد النحو . کتاب تفسیر ابنه الحسن^۴ . کتاب الفصیح .

ابوالعباس در مجالس خود چیزهایی برای اصحابش املا نموده که مشتمل است بر : تکه‌هایی در نحو و لغت ، و اخبار ، و معانی قرآن ، و شعر ، و آنچه را که شنیده داشته و در آن سخن گفته بود ، و اینها را گروهی مانند : ابوبکر بن انباری . و ابو عبدالله یزیدی ، و ابو عمر زاهد ، و ابن درستویه ، و ابن مقسم ، از وی روایت کرده اند . و از اشعار فحول شعرا از جمله : اعشى ، و دو نابغه . و طفیل ، و طرماح ، و دیگران قطعه ساخته است .

و از اصحاب ثعلب :

ابو محمد عبدالله بن محمد شامی است ، که پیرو مذهب کوفیان بود ، و کتاب مسائل مجموعه از اوست .

ابن حائك^۵ نامش هارون ، از یهودیان حیره^۶ و از غلامان ابوالعباس است ، که تقدیمی نزد او پیدا کرد ، و نحو را بمذهب کوفیان میدانست ، و با مبرد مناظره‌ها داشت ، گویند روزی با مبرد مناظره مینمود ، مبرد با او گفت : من تو را فهمیده میدانم اینقدر مکابره نکن . این

۱- یکی از دروازه‌های بغداد است (رجوع کنید دلیل خارطة بغداد ص ۴۸) .

۲- ف (ما یجزی و ما لا یجزی) .

۳- ف (غریب القرآن) .

۴- ف (ابنه الحسی) .

۵- ف (الحائل) .

۶- رجوع کنید بصفحه ۸ همین کتاب .

حائك^۱ گفت : ای ابوالعباس ، خداوند تو را مؤید بدارد ، این نان و روزی ما میباشد .
 ابوالعباس جوابش داد : اگر نان و روزی تو است پس مکابره بکن مکابره و این
 کتابها از ابن حائك است: کتاب العلل فی النحو (چیز کمی از آن رادیده‌ام) . کتاب الغریب
 برای هاشمی^۲ و در این باره اختلاف شده ، قولی است که هاشمی^۳ (بنام ...) از ثعلب آنرا
 تألیف کرده ، و قولی است باینکه یکی از نزدیکان ثعلب ، که گویا احمد بن ابراهیم است ،
 مؤلف آن بوده و برای هاشمی^۴ تألیف کرده است . (ولی صحیح این است که هاشمی مصاحب
 مبرد این کتاب را از مبرد تألیف کرده است) .

اخبار ابو محمد قاسم انباری

و پسرش ابوبکر

ابو محمد قاسم بن محمد بن بشار انباری، از مردم انبار^۵ بود و سلمه و امثال او را که از
 اصحاب فراء بودند و همچنین گروهی از لغویان رادیده داشت، و خود او از اخباریان^۶ بشمار میرفت
 و این کتابها از اوست: کتاب خلق الانسان. کتاب خلق الفرس . کتاب الامثال . کتاب المقصور
 والممدود . کتاب المذکر و المؤنث . کتاب غریب الحدیث .

و پسرش ابوبکر محمد بن قاسم. از پدرش و ابو جعفر احمد بن عبید آموخته ، و نحو
 را از ابوالعباس ثعلب فرا گرفته، و از پدرش فاضلتر و داناتر، و در ذکاوت و هوشمندی
 و خوبی قریحه و سرعت حافظه بی مانند بود . و با این وصف . پارسائی و نیک منشی
 داشت. و از وی شهوترانی و لغزشی دیده نشد، و در بدیهه گوئی و سرعت جواب ضرب المثل همه
 بود . و بیشتر املاهایی که مینمود از روی دفتر و کتاب نبود . و هنگام وفاتش که در ماه
 ذیحجه سال سیصد و بیست و هشت بود (خیلی) کمتر از پنجاه داشت . و از تألیفات
 اوست : کتاب المشکل فی معانی القرآن - ناتمام . کتاب الاضداد فی النحو . کتاب -
 الزاهر. کتاب ادب الکاتب - ناتمام. کتاب کافی فی النحو . کتاب المقصور والممدود . (کتاب
 المذکر و المؤنث) . کتاب الواضح فی النحو بزرگ . کتاب الموضح فی النحو - کتاب الالفات.

۱- ف (الحائل) .

۲- ف (الهامی) .

۳- ف (الهامی) .

۴- ف (القه الهامی) .

۵- رجوع شود بصفحه ۸ همین کتاب . ۶- اخباری بکسی گویند که عالم بتاریخچه

اسلام و جاهلیت باشد (رک . تاریخ طبری ج ۱ ص ۳) .

نقض^۱ مسائل ابن شنبوذ^۲ . کتاب غریب الحدیث - ناتمام . کتاب الهجاء . کتاب اللامات . کتاب المفضلیات . کتاب ایضاح الوقف والابتداء . کتاب الهات فی کتاب الله عزوجل . کتاب السبع الطوال - ساخته خود او . کتاب شعر الراعی ساخته خود او . کتاب الرد . علی من خالف مصحف عثمان .

ابوبکر چند دیوان از اشعار فحول عرب . چون شعر زهیر ، و نابغه جمعی^۳ ، و اعشی ، و دیگران ترتیب داد . و در لغت ، نحو ، اخبار . سخن رانیهای داشته و گروهی از اهل علم ، که من دیدم مانند ابوسعید دبیلی و غیره آنرا شنیده بودند .

ابو عمر زاهد

ابو عمر محمد بن عبدالواحد بن ابوهاشم ، مطرز^۴ ، معروف بزاهد ، مصاحب ابوالعباس ثعلب بود و شنیدم گروهی از علماء حدیثهای او را ست می شمردند ، و او را بیزید نسبت می دهند^۵ زیرا بی نهایت ناصبی^۶ بود و تمایلی بمخالفت با علی علیه السلام داشت و در کوچه ابو عنبر مقیم بود .

وفاتش در سال سیصد و چهل و هشت ، در سن هشتاد و شش^۷ سالگی بود . که خداوند او را به پاداش کردارش میرساند . از کتابهای اوست : کتاب الیاقوت فی اللغة . این کتاب و کیفیت تصحیح آن سرگذشتی دارد : بخط ابوالفتح عبیدالله^۸ بن احمد نحوی که مردی راستگو ، کنجکاو ، و دانه چین بود خواندم - که در روز پنجشنبه یک روز با آخر محرم سال سیصد و بیست و شش ابو عمر محمد بن عبدالواحد ، مصاحب ابوالعباس ثعلب ، شروع با املاء این کتاب - کتاب الیاقوت - در مسجد مدینه ابو جعفر^۹ بطور ارتجال نمود ، بدون آنکه کتابی یا دستوری در دست داشته باشد . و مجلس بمجلس این املاء را ادامه داد ، تا کتاب پایان رسید . و من مجلس بمجلس آنچه را املا میکرد نوشتم . سپس در نظر گرفت بر آن چیزهایی بیفزاید ، و در اوقات دیگر ، باز ارتجالاً چیزهایی بر آن افزود . و ابو محمد صفار که از ملازمان خدمتش بود ، تصدی این اضافات . و تکرار آن را بروی داشت . و آن اضافات را من از ابو محمد گرفتم . و سپس مردم در قرائتی که ابواسحاق طبری بروی نمود حضور بهم رسانیده و شنیدند . این قرائت فذلکه نامیده شد ، پس از آن

۱- ف (بعض) . ۲- ف (ابن شموذ) .

۳- ف (والتابغه والجمدی) . ۴- مطرز - آنکه جامه باطراز و نگار میسازد

۵- ف (وانتسبوا بهالی التزید) جب (وینسبونه الی الیزید) .

۶- ناصبی کسیکه دشمن میدارد امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام را (فرهنگ

نفسی) . ۷- ف (هشتاد) . ۸- ف (عبدالله) . ۹- (رجوع کنید بصفحه ۶۷

همین کتاب) .

چیزهایی بر آن افزود. و من تمام آن زیادتیهها را در کتاب خود نوشتم و روز سه شنبه سه (شب) با آخر ذی القعدة سال سیصد و بیست و نه بود که من شروع بخواندن آن کتاب بر خود او نمودم و در ماه ربیع الاخر سال سیصد و سی و یک از آن فراغت یافتم، و هنگامیکه نسخه خود را میخواندم، نسخه ابو اسحاق طبری، و نسخه ابو محمد صفار، و نسخه ابو محمد بن سعد قطربلی، و نسخه ابو محمد حجاجی^۱ را همراه داشتم. و در اثناء خواندن چیزهایی نیز بر آن افزود. و از اول تا آخر کتاب با هم موافقت کردیم. بعد در اوقات دیگر ارتجالا چیزهایی بر آن کتاب افزود و محمد وهب بآن زیادتیهها اختصاص داشت برای آنکه در ملازمت او بود و مردم را جمع کرده و وعده داد که ابو اسحاق (طبری) آنرا بروی عرضه خواهد داشت. و این آخرین عرضه ایست که پایه کتاب بر آن گذاشته میشود و دیگر اضافاتی بر آن نخواهد شد. و این عرضه را محرانیه^۲ نامیدند و روز سه شنبه چهاردهم جمادی الاول (سال) سیصد و سی و یک مردم در منزل او با حضور منله^۳ ابو عنبر جمع شدند و نسخه من را بر آنها املا نمود.

و ابو عمر محمد بن عبدالواحد گفت. این عرضه که ابو اسحاق طبری بتنهائی انجام داد آخرین عرضه ایست که من می شنوم، و اگر کسی در این نسخه حرفی بیفزاید، از گفته من نبوده و بر من دروغ روا داشته، و این نسخه که از گوشه بگوشه انتشار یابد^۴ قرائتی است که ابو اسحاق بر مردم نموده و من حرف بحرف آنرا شنیده ام، ابو الفتح گوید، این عرضه ایست که در روز سه شنبه چهاردهم جمادی الاولی سیصد و سی و یک شروع شده بود. بقیه کتابهای ابو عمر این است: کتاب شرح کتاب الفصیح. کتاب فائت الفصیح. کتاب المرجان، کتاب (غریب الحدیث) علی الکلمات، و این کتاب را برای حصری تألیف و باو نسبت داده و بنام کتاب حصری مشهور گردید. کتاب الموشح. کتاب الساعات. کتاب العشرات. کتاب الشوری. کتاب التنویع^۵. کتاب تفسیر اسماء الشعراء. کتاب القبائل. کتاب المکنون والمکتوم. کتاب التفاحه. کتاب فائت المستحسن. کتاب المداخل. کتاب جلی^۶ المداخل. کتاب النوادر. کتاب فائت الجمهرة و الرد علی ابن درید (کتاب فائت العین، کتاب ما انکرته^۷ الاعراب

۱- ف (الحجازی).

۱- ف (البحرانیه).

۳- جب (سکه).

۴- ف (من الساعة الى الساعة) جب (من الشاعه الى الشاعه) والشاعه اخبار منتشره را گویند (المنجد).

۵- ف (السریع).

۶- ف (حلی).

۷- ع (انکره).

علی ابی عبیده فیما رواه اوصنعه . و میگفت من شاعر هستم با آنکه جاهل بآن بود و از شعر اوست .

مَعَايِبُهُ تَخْتَمُ فِي يَمِينِهِ^۱

إِذَا مَا الرَّافِضِ الشَّامِي تَمَّتْ

فَإِنِ الرَّفِضُ بَادَ فِي جَنِيْبِهِ^۲

فَأَمَّا إِنْ أَتَاكَ لِسْمَتِ وَجْهِهِ

و برای نادانی او همین شعر کافیهست .

۱- اگر معایب رافضی تمام شد دست راستش را مهر کنند .
 ۲- و اگر از جلو بسوی نواید رافضی از صورتش پیدا است .

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)

فن سوم

از مقاله دوم - از کتاب الفهرست

در اخبار علما و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

نام و اخبار

گروهی از علماء نحو و لغت که دو شیوه را با هم مخلوط کردند .

ابن قتیبه

ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه کوفی ، متولد همانجا ، که بمناسبت قاضی بودنش در دینور^۱ ، دینوری نامیده شده و نسبت ببصریان غلوی داشت ، ولی دو شیوه را بهم آمیخت و در کتابهایش از کوفیان نقل کرده ، و در روایت صادق ، و عالم بلغت ، و نحو ، و غریب قرآن ، و معانی قرآن ، و فقه ، و شعر بود ، و تألیفات و تصنیفات زیادی دارد که در مجال جبل^۲ آن

۱- دینور نام شهری در نزدیکی کرمانشاه است که در قدیم آباد بوده و اکنون ویرانست

۲- رجوع شود بصفحه ۷۴ همین کتاب .

رغبتی دارند ، ولادتش در اول ماه رجب ، و وفاتش در سال دویست و هفتاد . و این کتابها از اوست: کتاب معانی الشعر الکبیر - مشتمل بر دوازده کتاب باین نام : کتاب الفرس - چهل و شش باب - کتاب الابل - شانزده باب ، کتاب الحرب^۱ ده باب . کتاب القدور^۲ بیست باب . کتاب الديار - ده باب . کتاب الرياح - سی و یک باب . کتاب السباع والوحوش - هفده باب . کتاب الهوام - بیست و چهار باب^۳ . کتاب الايمان والدواهي - هفت باب . کتاب النساء والغزل^۴ يك باب . کتاب الشيب والكبر^۵ هشت باب . کتاب تصحيف العلماء - يك باب .

کتاب عيون الشعر - مشتمل بر ده کتاب باین نامها: کتاب المراتب . (کتاب المناقب . کتاب المعانی) . کتاب القلائد . کتاب المحاسن . (کتاب المدائح) . کتاب المراكب . کتاب المشاهد . کتاب الشواهد . کتاب الجواهر .

کتاب عيون الاخبار - مشتمل بر ده کتاب : کتاب السلطان . کتاب الحرب . کتاب السؤدد . کتاب الطبائع . کتاب العلم . کتاب الزهد . کتاب الاخوان . کتاب الحوائج . کتاب الطعام . کتاب النساء .

کتاب التفقيه : از این کتاب سه جزء را دیدم که در حدود ششصد ورق بخط نازک^۶ بود و تقریباً دو جزء کم داشت و از مردم جبل^۷ که جوای آن شدم گفتند موجود باشد و از کتاب^۸ بندینجی بزرگتر و بهتر است .

و باز از کتابهای اوست : کتاب الحکایة والمحکمی . کتاب ادب الکاتب . کتاب الشعر والشعراء . کتاب الخیل . کتاب جامع النحو . کتاب مختلف الحدیث . کتاب اعراب القرآن . کتاب دیوان الکتاب . کتاب فرائد الدر . کتاب خلق الانسان . کتاب القرات . کتاب المراتب . و المراقب من عيون الشعر . کتاب النسوية بين العرب والعجم . کتاب الانواء . کتاب المشکل . کتاب دلائل النبوة . کتاب اختلاف تاویل الحدیث . کتاب المعارف . کتاب جامع الفقه . کتاب اصلاح غلط ابی عبید فی غریب الحدیث . کتاب المسائل والجوابات . کتاب العلم ، در حدود پنجاه ورق . کتاب المیسر والقдах . کتاب حکم الامثال . کتاب الاشریه . کتاب جامع النحو الصغیر . کتاب الرد علی المشبه . کتاب ادب العشرة . کتاب غریب الحدیث . (که خوب از عهدہ بر آمده) .

۱ - ف (الجرب) . ۲ - ف (العرور) . ۳ - ف (چهارده) .

۴ - ف (والعزل) .

۵ - ف (النسب واللبن)

۶ - ف (بخط برك) جب (بخط نرك) که همان نازک فارسی و بمعانی باریک ، زیبا ،

و ظریف است (فرهنگ نفیسی) . ۷ - ف (من اهل الخط) جب (من اهل الجبل) ۸ - ف (کتب) .

ابوحنیفه دینوری

احمد بن داود ، از مردم دینور . از بصریان و کوفیان آموخته ، و از ابن سکیت و پدرش^۱ بیشتر فرا گرفته است . و در علوم زیادی مانند نحو و لغت ، و هندسه ، و حساب ، و علم هیئت^۲ دست داشته ، و در روایت (و حکایت) مورد اعتماد و بصدقت معروف بود . از کتابهای اوست : کتاب النبات - که در تألیفش علما بوی برتری داده اند . کتاب الفصاحه . کتاب الانواء . کتاب القبلة والزوال . کتاب حساب الدور . کتاب الرد علی لغذة^۳ الاصفهانی . کتاب البحث فی حساب الهند . کتاب البلدان - بزرگست . کتاب الجمع و التفریق . کتاب الاخبار الطوال . کتاب الوصایا . کتاب الجبر والمقابلة . کتاب نوادر الجبر . کتاب الشعر و الشعراء . کتاب ما يلحن فيه العامة .

ابراهیم رازی

جز اینکه سکری از وی نقل کرده چیز دیگر از وی ندانیم ، و این کتابها از اوست : کتاب الانواء^۴ که آنرا در حدود پنجاه ورق بخط سکری دیده ام . کتاب مجرد اللغه .

سکری

ابوسعید حسن بن حسین بن عبدالله بن عبدالرحمن بن علاء سکری : و این (نسب) را از روی خط ابوالحسن کوفی نوشته ام ، وی بلغت ، و انساب ، و روزگار عرب معرفت نیکوئی داشت . و خطش از حیث درستی پسندیده بود . وفاتش و از کتابهای اوست : کتاب الوحوش - که بیترین صورتی آنرا تألیف نمود . کتاب النبات . چیز کمی از این کتاب را بخط خود او دیده ام .

سکری اشعار گروهی از فحول شعرا ، و قطعه از اشعار قبائل را جمع آوری کرده ، که مرکب از شعرا امرؤ القیس ، و دونابغه ، و قیس بن خطیم ، و تیم بن ابوعقیل ، و اشعار دزدان^۵ ، و اشعار : هذیل ، و هدیه بن خشرم ، و اعشی ، و مزاحم عقیلی ، و اخطل و زهیر ، و دیگران است . و شعر ابو نواس را نیز جمع کرده ، و در معانی ، و غریب^۶ سخنرانی هائی نموده که در حدود هزار ورق میباشد ، و من آنرا بخط حلوانی ، از نزدیکان ابوسعید ، دیده ام . کتاب الابیات السائرة ، کتاب المناهل والقری . که آنرا بخط خود او دیده ام .

۱ - ف (السکیت وابنه) جب (ابن السکیت وابیه) .

۲ - ف (وعلم الهند) .

۳ - ف (رصد) .

۴ - ف (الانوار) .

۵ - متن عربی ، اشعار اللصوص است .

۶ - ف (وغرضه) .

حامض

ابوموسی سلیمان بن محمد بن احمد حامض، از اصحاب ثعلب و خاصان اوست، و از بصریان نیز چیزهایی فرا گرفته بود، و بحسن خط و شیوه نیکوئی در ضبط معروف، و کارش وراقی بود. این کتابها از اوست: کتاب خلق الانسان، کتاب النبات، کتاب الوحوش که آنرا بخط زکریا پسر خواهرش^۱ دیده‌ام، کتاب مختصر نحو.

احول

ابوالعباس محمد بن حسن بن دینار احوول، از عالمان لغت و شعر (و وراق حنین بن اسحاق در منقولاتش از علوم پیشینیان بود) و نسخه برداری میکرد، و این کتابها از اوست: کتاب الدواهی، کتاب السلاح، کتاب ما اتفق لفظه و اختلف معناه، کتاب فعل و افعال، کتاب الاشباه، و اشعار ذوالرمله و سایر شعرا را جمع آوری کرده است.

ابن کوفی

ابوالحسن علی بن محمد بن زبیر اسدی کوفی، از عالمان صحیح الخط، و راویه، و جمع کننده کتاب بود، صداقت در حکایت، و دانه چینی و کنجکاو داشت. و از کتابهای اوست: کتاب فی معانی الشعر و اختلاف العلماء (فی ذلک) - که مقدار کمی از آن را دیده‌ام. کتاب القلائد والفرائد فی اللغة و الشعر.

ابن سعدان

ابراهیم بن محمد بن سعدان بن مبارک: جمع کننده کتاب، و صحیح الخط و صادق در روایت است. از کتابهای اوست: کتاب الخیل، که بسیار خوبست، کتاب حروف القرآن، و پسرش محمد بن سعدان، این کتابها را دارد، کتاب القراءات - بزرگ - و کتاب المختصر فی النحو.

معدی^۲

نامش احمد بن سلیمان، و کنیه اش ابوالحسین، از علی بن ثابت، و از ابو عبید روایت کرده و خط پسندیده داشت، و یکی از علما و مشاهیر ثقات است.

۱- ف (ابن ابیه) جب (ابراخته).
 ۲- جب (ابن).
 ۳- ف (المعدی).

کرمانی

ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن موسی کرمانی ، ورزیده در نحو ولغت ، و خط نیکوئی داشت ، که مردم بآن رغبتی داشتند و نقلش از روی صحت و درستی بود ، و وراقی میکرد ، این کتابها از اوست : کتاب ما اغفله الخلیل فی کتاب العین و ذکرانه مهمل و هومستعمل ، و ما هومستعمل و قداهمل . کتاب الجامع فی النحو - کتاب النحو - ناتمام . کتاب الموجز فی النحو .

فزاری

ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن حبیب بن سلیمان بن سمره بن جنید فزاری ، از علماء خوش خط است .

ابوالقاسم

عبدالرحمن بن اسحاق زجاجی ، از نحویان ، و از کتابهای اوست : کتاب القوافی

ابن وداع

نامش عبدالله بن محمد بن وداع بن رماد^۱ بن هانی ازدی ، مکنی بابو عبدالله . دانش و خطی صحیح و خوبی داشت که مردم را رغبتی بآن بود ، و در کار خود اجرت میگرفت .

نمری

ابو عبدالله ، از کتابهای اوست : کتاب اللمع فی الالوان ، کتاب معانی الحماسه . کتاب الحلی .

ترمذی^۲ بزرگ

نامش

۱- ف (الزیاد) . ۲- ف (الرمذی) و ترمذ نام دو محل است یکی در شهرهای بنی اسد و یکی نیز از شهرهای بزرگ و مشهور کنار جیحون است (معجم البلدان) .

ترمذی^۱ کوچک

نامش (محمد بن احمد)

احمد بن ابراهیم

از لغویان و استاد ابوالعباس ثعلب، مکنی بابوالحسن. خطش پسندیده بود و تصنیفی ندارد.

ابن فارس

واژگنابهای اوست: کتاب الحماصه

حلوانی

ابوسهل نامش احمد بن محمد بن عاصم حلوانی: و گویند از نزدیکان ابوسعید سگری بود، و کتابهای او را روایت کرده، و از او آموخته، و خط بسیار بدی داشت، ولی از علماء بشمار میرفت، و کتاب المجانین الادباء، از اوست:

ابو عبدالله خولانی

ابن مهرویه

این کتاب از اوست: کتاب الخیل السوابق.

منحلی

یشکری^۲

۱- ف (الرمذی).

۲- ف (السكری).

طلحی

ابن شاهین

ابوالعباس احمد بن سعید بن شاهین

علی بن ربیعہ بصری

از کتاب‌های اوست : کتاب ما قالته العرب و کثر فی افواه الناس .

ابن سیف

نامش احمد بن عبدالله^۱ بن سیف سجستانی^۲ مکنی بابوبکر

آمدی

ابو الحسن نامش محمد بن عبدالله بن صالح از بغداد (بمصر) رفت و ویژه ابن

ابو حرابه^۴ بود ، و خط صحیح و خوبی داشت ...

احمد بن سهل

کتاب اختیار السیر ، از اوست .

حرمی^۵

ابو عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق بن ابو حمیصه مکی ؛ معروف با بن ابو علاء یکی از علمائی است که برای نظم که در کار داشت مردم باو رغبتی داشتند و از دانایان اخبار بود .

۱- ف (عبدالله) .

۲- سجستان شهر است در مشرق و مغرب آن سیستان است (منتهی الارب) .

۳- ف (ابن) .

۴- ف (منقطعا حتما به) جب (منقطعا الی ابن حرابه) .

۵- ف (الجزمی) .

ابو دماش

کتاب الحماسه ، از اوست .

اخبار ابن کيسان

ابوالحسن محمد بن احمد بن محمد بن کيسان ، و کيسان در لغت سعديه^۱ بمعنی غدر است، کيسان نحوی مرد نادانی بود^۲ و ابوالحسن مرد فاضلی بود و هر دو شیوه را بهم آمیخت و از هر دو دسته آموخت . و این کتابها از اوست : کتاب غریب الحدیث - در حدود چهارصد ورق. کتاب البرهان . کتاب الحقائق. کتاب المختار، کتاب الوقف والابتداء ، کتاب المذهب. کتاب القرات. کتاب الهجاء . کتاب التصاریف . کتاب المقصور والممدود . کتاب الشاذانی فی النحو . کتاب المذکر و المؤنث . کتاب مختصر النحو . کتاب معانی القرآن (معروف بالعسرات. کتاب حد فاعل والمفعول به) کتاب المسائل علی مذهب النحویین مما اختلف فیہ البصريون والكوفيون (کتاب الکافی فی النحو) .

(لغده) اصفهانی

ابوعلی حسن بن عبدالله ، ولادتش در اصفهان بود . بیغداد آمد ، و از همان کسانی آموخت که ابوحنفیه دینوری آموخته بود . این کتابها از اوست : کتاب الرد علی الشعراء ، کتاب النطق، کتاب علل النحو، کتاب المختصر فی النحو، کتاب الصفات، کتاب الهاشاه والبشاشة. کتاب التسمیة . کتاب شرح کتاب المعانی للباهلی . کتاب نقض علل النحو .

ابن خیاط

ابویکر محمد بن احمد بن منصور خیاط، از مردم سمرقند^۳ بیغداد آمد و با ابراهیم بن سری ملاقات نموده و با او مناظراتی داشت . و ابن خیاط هر دو شیوه را بهم میآمیخت و این کتابها از اوست: کتاب النحو الکبیر . کتاب معانی القرآن - کتاب المقنع. کتاب الموجز .

نقطویه

ابو عبدالله ابراهیم بن محمد بن عرفه بن سلیمان بن مغیره بن حبیب بن مهلب عتکی

۱- سعديه نام چندین محل و جایگاه اعرابست (رجوع کنید به منتهی الارب) .
 ۲- ف (معقلاً) جب (منقلاً) .
 ۳- رجوع شود به صفحه ۲۹ همین کتاب .

ازدی. از ثعلب و مبرد آموخته و از محمد بن جهم و عبیدالله^۱ بن اسحاق بن سلام، واصحاب مدائنی شنیده داشت. مادرش^۲ از فرزندان خالد بن عبدالله (مری)، طحان محدث است. و ولادتش در سال دو بیست و چهل و چهار بود. اخلاقی پاکیزه و محضری خوب داشت و او نیز هر دو شیوه را بهم میآمیخت. و در مسجد انباریان صبحها بمذهب داود فقه را تدریس می نمود (و در آن ریاست داشت) وفاتش در ششم ماه صفر سال سیصد و بیست و سه است و روز دوم وفاتش در باب الکوفه بخاک سپرده شد، و ابن بویه برای بر او نماز گذارد، و این کتابها از اوست: کتاب التاريخ. کتاب الاقتصامات^۳ کتاب غریب القرآن. کتاب المقنع فی النحو. کتاب الاستیفاء فی الشروط^۴ کتاب الامثال. کتاب الشهادات. کتاب القوافی والرد علی من زعم ان العرب تشتق الکلام بعضه من بعض. کتاب الرد علی من قال بخلق القرآن. کتاب الرد علی المفضل فی نقضه علی الخلیل. کتاب فی ان العرب تتکلم طبعاً لتعلماً. کتاب الملح. کتاب المصادر.

جمد

ابوبکر محمد بن عثمان جمد، با ابن کیسان مصاحبت داشت، و هر دو شیوه را بهم آمیخت و این کتابها از اوست: کتاب القرات. کتاب معانی القرآن. کتاب المقصور و الممدود. کتاب المذکر والمؤنث. کتاب الهجاء. کتاب مختصر النحو. کتاب العروض. کتاب خلق الانسان. کتاب الفرق کتاب الالفات.

خزاز

ابوالحسن^۵ عبدالله بن محمد بن سفیان، در خانه ابوالحسن علی بن عیسی آموزگار بود و خطش خوب و از نحویانی است که دو شیوه را بهم آمیخت و کتاب المعانی فی القرآن را برای علی بن عیسی تألیف کرد، وفاتش... و این کتابها از اوست: کتاب المختصر فی علم العربیه.. کتاب معانی القرآن. کتاب المقصور والممدود. کتاب المذکر و المؤنث. کتاب الفسیح فی علم اللغة و منظومها. کتاب اخبار اعیان الحکام - که برای ابوالحسن

۱- ف (عبدالله). ۲- ف (وانه) جب (وامه).

۳- ف (الاقتصارات). ۴- ف (کتاب الاستثناء والشروط فی القرات).

۵- ف (ابوالحسن).

بن ابو عمرو^۱ تألیف کرد . کتاب السراری الذهبیات المسلیات^۲ . کتاب اعیاد النفوس فی (ذکر) العلم . کتاب رمضان و ما قبل فیہ .

عمری

قاضی تکریت^۳ و این کتابها از اوست : کتاب تفسیر السبع الجاهلیات بغریبها .
کتاب تفسیر مقصورة ابی بکر بن درید .

ابوهندام (عقیلی)

نامش کلاب بن حمزه ، از مردم حران^۴ و در بادیه اقامت داشت ، گویند آموزگار بود ، و در دوران قاسم بن عبیدالله بشهر آمد و او را مدح کرد . وی عالم و شاعر بود و خط نیکوئی داشت و هر دو شیوه را بهم آمیخت ، و این کتابها از اوست : کتاب جامع النحو . کتاب الاراکة . کتاب ما یلحن فیہ العامة .

اشنادانی

در پیش گفتیم که کتاب معانی الشعر ، از اوست :

ابن لره گرجی^۵

از علماء جبل ، و نامش بندار^۶ بن عبدالحمید ، و لره لقبش بود ، و کنیه اش ابو عمر است (ابن سکیت و دیگران را دیده) و دوشیوه را بهم آمیخت . از کتابهای اوست : کتاب معانی الشعر^۷ کتاب شرح معانی الباهلی (الانصاری) کتاب جامع اللغه . کتاب الوحوش .

ابن شقیر

ابوبکر عبدالله بن محمد بن شقیر نحوی ، و بگفته شیخ ابوسعید رحمه الله ، او نیز هر دو

-
- ۱- ف (ابوالحسن بن ابی عمر) .
 - ۲- ف (السراری فی الراسیات و المستکفات) .
 - ۳- تکریت شهر است میان موصل و بغداد که در ساحل غربی دجله قرار دارد (قاموس- الاعلام ترکی) .
 - ۴- رجوع شود بصفحه ۱۹ همین کتاب . ۵- ف (ابن لزه الکرخی) . ۶- ف (منداد) .
 - ۷- ف (الشعراء) .

شیوه را بهم آمیخته داشت ، و این کتابها از اوست : کتاب مختصر نحو . کتاب مقصور و ممدود . کتاب المذکر و المؤنث .

مفجع

ابوعبدالله مفجع ، محمد بن عبدالله کاتب بصری . ثعلب را دیده و از او و دیگران آموخت ، و از شاعران شیعه بود . ویرا قصیده ایست بنام - اشباه - که در آن علی علیه السلام را مدح کرده است . و میان او و ابوبکر بن درید هجوهائی مبادله گردید ، و از کتابهای اوست : کتاب الترجمان فی معانی الشعر . که مشتمل است بر کتاب حدالاعراب . کتاب حدالمدیح ، کتاب حدالنجدة^۱ . کتاب الحلم والرأی . کتاب الهجاء . کتاب المطایا^۲ ، کتاب الشجر و النبات ، کتاب الاعراب^۳ ، کتاب اللفز . و نیز این کتابها از اوست : کتاب المنقذ فی الایمان ، کتاب اشعار الحراب - ناتمام ، کتاب عرائس المجالس ، کتاب غریب شعر زید الخیل .

اخفش کوچک

ابوالحسن علی بن سلیمان اخفش نحوی . و او بسیار رنجش پیدا میکرد اگر در نحو پرسشی از وی میشد ، اخبار و سرگذشت عرب را درسینه داشت . و در سال سیصد و پانزده وفات یافت ، و این کتابها از اوست : کتاب الانواء . کتاب التثنیة والجمع . کتاب الجراد .

هنائی

نامش علی بن حسن ، کنیه اش ابوالحسن ، از مردم مصر ، از کوفیان آموخته بود و از بصریان نیز چیزهائی آموخته داشت و معروف بدوسی است ، (ودوس) یکی از قبائل عرب بشمار میرود . کتابهایش در مصر موجود بوده و مردم بآن رغبتی دارند . از کتابهای اوست : کتاب مجرد الغریب - که به پیکره (کتاب) العین و بترتیبی غیر از آنست و در اولش گوید : این کتاب را در غریب کلام عرب ، و لغت آنها ، و بترتیب بیست و هشت حرف هجاء تألیف کرده ام و از (الف) و باء تاء ثاء آغاز میشود تا با آخر حروف هجاء ، و نیز ، کتاب المنقذ فی اللغة و کتاب الفرید . از اوست .

۲- ف (المطانا) .

۱- ف (البخل) .

۳- ف (الاعراب) .

دومی

از نحویان قریب العهد بما میباشد. نامش عمر بن محمد بن جعفر^۱ (زعفرانی، و کنیه اش ابو احمد است). این کتابها از اوست: کتاب القوافی. کتاب اللغات.

اخبار گروهی از علماء شهرها

که از روی تحقیق نسب^۲ و سرگذشتشان بدست نیامد

ابن خالویه

ابو عبدالله حسین بن محمد^۳ بن خالویه، از گروهی مانند، ابوبکر بن انباری، و ابو عمر زاهد آموخته، و بر ابوسعید سیرافی قرائت داشته و هر دو شیوه را بهم آمیخته است. و در سال سیصد و هفتاد در خدمت بنی حمدان در حلب وفات یافت. و این کتابها از اوست: کتاب الاشتقاق. کتاب الجمل فی النحو. کتاب اطرفش^۴ لغة. کتاب القرائات. کتاب المبتدا. کتاب اعراب ثلاثین سوره من القرآن. کتاب المقصور والممدود. کتاب المذکر والمؤنث. کتاب الالفات. کتاب لیس.

ابو تراب^۵

این شخص بر خلیل استدر اکهائی^۶ در کتاب العین دارد که گروهی آنرا نقض کرده اند. این کتابها از اوست: کتاب الاعتقاب فی اللغة. کتاب الاستدراك علی الخلیل فی المهمل و المستعمل.

ابو الجود

قاسم بن محمد بن رمضان عجلانی، از نحویان بصره و قریب العهد بما میباشد. و از کتابهای اوست: کتاب المختصر للمتعلّمین. کتاب المقصور والممدود. کتاب المذکر و المؤنث. کتاب الفرق.

۱- ف (عبدالله ابن جعفر). ۲- ف (اسمائهم) جب (انسابهم). ۳- ف (احمد).
 ۴- ف (اطرفش). ۵- ف (ابوتواب).
 ۶- استدراك تدارك چیزی که از شخص فوت شده باشد (فرهنگ نفیسی).

بن رمضان دیگر^۱

معروف بمحمد بن حسن بن رمضان . و این کتابها از اوست : کتاب اسماء الخمر و عصیرها . کتاب الدبیره .

کشی^۲

از نواحی خراسان و صاحب تألیفات خوبی است ، و ای معلوم نیست بر چه کسی قرائت داشته و چه میدانسته است . و این کتابها از اوست : کتاب فعلت و افعلت علی حروف المعجم - کتابی است بزرگ و بینهایت خوب : کتاب التصاریف - این نیز کتاب بزرگ است .

مخنف

چیزی درباره او نمیدانم . و این کتابها از اوست : کتاب شرح النحو . کتاب التصریف .

مهلبی

ابوالعباس احمد بن محمد ، مقیم مصر . و کتاب شرح علل النحو . کتاب المختصر فی النحو از اوست . و در مصر دو نفر دیگر با این نام هستند که یکی معروف با بن ولاد ، و دیگری معروف بر حیانی است^۳ .

ابومسهر

محمد بن احمد بن مروان بن سیره^۴ نحوی ، و این کتابها از اوست : کتاب الجامع - فی النحو . کتاب المختصر . کتاب اخبار ابی عیینه محمد بن ابی عیینه (المهلبی) .

۱- ف (اخوین رمضان) جب (آخر ، بن رمضان) و گمان رود که این صحیحتر است ؛ زیرا در بالا ، بن رمضان ، که ابوالجود باشد آورده بود و کلمه آخر را برای فرق گذاشتن میان این دو نفر ذکر کرده است .

۲- ف (المکسمی) جب (الکشی) و گمان رود که این کلمه فارسی و بمعنی خوش و تندرست و صفت صاحب آن تألیفات باشد و با کاف فارسی هم آمده است (برهان قاطع) .

۳- ف (رحابی) . ۴- ف (یسیره) .

قمی

اسمعیل بن محمد قمی . و از کتابهای اوست : کتاب الهمز . کتاب العلل .

ابوفهد

در دومین باری که کتاب سیبویه را برزجاج قرائت میکرد ، زجاج بوی گفت : ای ابوفهد حال تو در قرائت اول بهتر از حال قرائت دوم بود . این کتاب از اوست : کتاب الايضاح فی النحو .

ازدی

ابوالقاسم عبدالله بن محمد ازدی ؛ از مردم بصره ، و این کتابها از اوست : کتاب المنطق .
کتاب الاختلاف .

هروی

از ایرانیان است . این کتابها از اوست : کتاب التصریف . کتاب الشرح .

مصیصی

جز این چیزی از وی ندانیم ، این کتابها از اوست : کتاب الشافی فی المفه . کتاب الافصاح .

ابن وشاء

ابوالطیب محمد بن احمد بن اسحاق اعرابی و شاء . یکی از ادیبان با ظرافتی است که از نجویان و آموزگار مدارس همگانی بود ، و بیشتر در اخبار ، شعر ، و مقطعات تألیف میکرد ، و این کتابها از اوست : کتاب مختصر فی النحو . کتاب جامع النحو^۱ . کتاب المقصور . والممدود . کتاب المذکر والمؤنث . کتاب الفرق . کتاب خلق الانسان . کتاب خلق الفرس . کتاب المثلث .

و اما کتابهای ادبی و اخباری او . کتاب اخبار صاحب الزنج . کتاب الزاهر فی الالوان والزهر . کتاب الحنین الی الاوطان . کتاب حدود الطیف^۲ الکبیر . کتاب الموشا . کتاب اخبار

۲- ف (الطرف) .

۱- ف (فی النحو) .

المتطرفات . كتاب السلوان . كتاب المذهب . كتاب الموشح . كتاب سلسلة الذهب .

ابن مراغی

ابوالفتح محمد بن جعفر (بن محمد) همدانی مراغی^۱. آموزگار عزالدوله^۲ ابومنصور، محفوظات زیادی داشت، و نحوی بلیغ و اخباری جوانمرد و آزادمنش بود. از کتابهای اوست: کتاب البهجة - بپیکره کتاب الكامل. کتاب الاستدراك لما اغفله الخليل.

مراغی

ابوبکر محمد بن علی، از مردم مراغه^۳، از مردمان با رشادتی است که مدتها در موصل اقامت داشت، و بابوالعباس دمخا^۴ پیوست، و از علماء با دیانت بود و برزجاج قرائت داشته است. از کتابهای اوست: کتاب مختصر النحو. کتاب شرح شواهد سیبویه او تفسیرها^۵.

بکری

معروف بابوالفضل بن محمد بن ابوغسان بکری، این کتابها از اوست: کتاب مختصر - فی النحو. کتاب الفرق.

عرام

ابوالفضل بن محمد، رقعہ نویس بود^۶ و پس از آنکه وی را نحوی خواندند بکارندیمی پرداخت، و رساله‌های کوچکی^۷ دارد که باشخاص نوشته و رنگ سخریه آمیز و بازی بآن داده است.

زجاج

آموزگار فرزندان ناصرالدوله، نامش محمد بن لیث، ویرا در موصل دیدم، و کتابی از او سراغ ندارم.

۱- جب (الوادعی). ۲- ف (عز دولة). ۳- مراغه بفتح اول شهر مشهور و بسیار بزرگی است که از مشهورترین شهرهای آذربایجان است. (معجم البلدان).
 ۴- ف (ذکاء). ۵- ف (و تفسیرها). ۶- ف (رقیعا) جب
 ۷- ف (ترسلات) جب (رسیلات).

عوامی

ابوبکر محمد بن ابراهیم نحوی قاضی. با من دوستی داشت و در سال ... وفات یافت و این کتاب از اوست: کتاب الاصلاح والافصاح فی النحو.

مردی که با بن عبدوس معروفست

نامش علی بن محمد بن عبدوس کوفی. و از نحویانست. از کتابهای اوست: کتاب میزان الشعر بالعروض. کتاب البرهان فی علل النحو. کتاب معانی الشعر.

و فراوندی

نامش یونس بن احمد^۱ بن ابراهیم و فراوندی، نحوی. و این کتابها از اوست: کتاب الشافی فی علل النحو^۲. کتاب الوافی فی علم العروض.

دیمرتی

ابو محمد قاسم بن محمد، از مردم اصفهان و دهکده بنام دیمرت^۳ است. و این کتابها از اوست: کتاب تقویم الالسنه. کتاب العارض فی الكامل. (کتاب تفسیر الحماسة).

ابوالعباس

محمد بن خلف بن مرزبان. این کتابها از اوست: کتاب الحاوی فی علوم القرآن - بیست و هفت جزء. کتاب الحماسة. کتاب اخبار عبدالله بن جعفر بن ابیطالب علیهم السلام.

ابوالحسن (بن وراق)

(نامش) محمد بن عبدالله^۴. از کتابهای اوست: کتاب علل النحو^۵. کتاب الهدایه - (و آن شرحی بر مختصر النحو تألیف ابو عمر جرمی نحوی است)^۶.

۱- ف (محمد).
 ۲- ف (فی علم القرآن).
 ۳- دیمرت در نواحی اصفهانست (معجم البلدان).
 ۴- ف (الحسین).
 ۵- ف (کتاب العلل).
 ۶- ف (کتاب شرح الجرمی).

ابو احمد بن حلاب

کتابی ندارد .

(ابن جنی) ابوالفتح

عثمان بن جنی (نحوی). ولادتش پیش از سیصد و سی بوده، و شب جمعه در ماه صفر سال سیصد و نود و دو وفات یافت، از کتابهای اوست: کتاب القسر - که تفسیر شعر ابوالطیب متنبی است^۱. کتاب التعاقب فی العربیه . کتاب المعرب . کتاب التلقین . کتاب اللمع . کتاب الفصل بین الکلام الخاص والعام . کتاب العروض و القوافی . کتاب جمل اصول التصریف . کتاب الوقف والابتداء . کتاب الالفاظ من المهموز . کتاب المذکر و المؤنث . کتاب تفسیر مرثیة الثلاثة و القصيدة الرائیة للشریف الرضی . کتاب معانی ابیات المتنبی . کتاب الفرق بین الکلام الخاص والعام^۲ .

ابو عبدالله نمری

تصنیفی ندارد .

بردویه

تصنیفی ندارد .

کتابهای قدیم در اخبار نحویان

اخبار النحویین . تألیف نجیرمی . اخبار النحویین . تألیف ابوسعید سیرافی . اخبار النحویین . تألیف مرزبانی . المقتبس الکبیر . اخبار الحنویین . تألیف ابوبکر محمد بن عبدالملک تاریخی .

(محمد بن اسحاق گوید) این است مقاله نحویان و لغویان که در روز شنبه اول شعبان سال سیصد و هفتاد و هفت پایان یافت. والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله، و از خداوند مسئلت مینمائیم که کسانی را که این کتاب برای آنها تألیف شده و همچنین ما را بنندرستی و امن و کفایت

۱- ف (کتاب الفسر لشرح دیوان ابی الطیب).

۲- جب در حاشیه دارد (ابن جنی این کتابها را دارد که مصنف ذکر نکرده است : کتاب اللمع فی النحو . کتاب شرا الصناعات . کتاب الخصائص . کتاب المنصف فی التصریف . و آن شرح مختصر مازنی است . کتاب ما املت خاطری و سئلت عنها اباعلی . کتاب الفائق شرح المذکر و المؤنث . کتاب التمام لاشعار الهذیل - و این چیز است که سکری بآن توجه نداشته است) .

نگهداری نماید و بفضل خود آنرا انجام داده، و ما را برضای خود ملهم و بکرم خود توانا در طاعت سازد و حسبن الله و نعم الوکیل، و صلی الله علی خیره من خلقه، محمد و آله).

کتابهاییکه در حدیثهای غریب

تألیف شده

کتاب غریب الحدیث - از ابو عبیده . کتاب غریب الحدیث - از اصمعی . کتاب غریب الحدیث - از نصر بن شمیل . کتاب غریب الحدیث - از قطرب . کتاب غریب الحدیث - از ابن اعرابی . کتاب غریب الحدیث - از ابن عدنان . کتاب غریب الحدیث - از ابن قادم . کتاب غریب الحدیث - از ابوزید . کتاب غریب الحدیث - از مسلمة^۲ کتاب غریب الحدیث - از اثرم . کتاب غریب الحدیث - از ابو عبیده - کتاب غریب الحدیث - از فستقه مصاحب کراپسی^۳ کتاب غریب الحدیث - از حامض . کتاب غریب الحدیث - از ابن قتیبه . کتاب اصلاح غلط ابی عبیده - از ابن قتیبه . کتاب غریب الحدیث - از ابن انباری - کتاب غریب الحدیث - از ابن درید . کتاب غریب الحدیث - از ابوالحسن^۴ قاضی بن ابوعمر . کتاب غریب الحدیث - از ابن حبیب . کتاب غریب الحدیث - از ابن کيسان . کتاب غریب الحدیث - از جمعد . کتاب غریب الحدیث از حضرمی که آنرا ابو عمر زاهد تألیف کرده است . کتاب غریب الحدیث - از ابن رستم حربی . کتاب غریب الحدیث - از ابن درستویه (نا تمام) . کتاب غریب الحدیث - از احمد بن حسن کندی . کتاب غریب الحدیث - از سلمی . کتاب غریب القرآن از عبدالله بن سلام دینوری .

(محمد بن اسحاق گوید : کتاب سلمی را ، که همان حسین بن عیاش سلمی است ، ابو عمر هلال بن علاء بن هلال رمی باهلی روایت کرده ، و ابوالقاسم حسین بن عبدالله بن منذر واسطی ، از هلال روایت کرده است) .

کتابهاییکه در نوادر تألیف شده

کتاب النوادر - از ابو عمرو علاء . کتاب النوادر - از ابو عمرو شیبانی . سه نسخه ، بزرگ ، متوسط ، کوچک . کتاب نوادر ابی زید^۵ کتاب نوادر الاصمعی . کتاب نوادر الکسائی سه نسخه . کتاب نوادر ابن اعرابی^۶ . که دوازده نفر آنرا روایت کرده اند . کتاب نوادر - الفراء یحیی بن زیاد . که سلمه ، و ابن قادم ، وطوال آنرا روایت کرده اند . کتاب نوادر اللحیانی

۱- ف (لابی) .
 ۲- ف (سلمه) .
 ۳- ف (صاحب الکراسی) .
 ۴- ف (ابن درید) .
 ۵- ف (الاعراب) .
 ۶- ف (الاعراب) .

کتاب نوادر ابی مسحل . کتاب نوادر ابی محمد الیزیدی . کتاب نوادر (ابی) زیاد الکلابی . کتاب نوادر ابی شنبلی^۱ عقیلی . کتاب نوادر دهمج البصری . کتاب نوادر الاموی . کتاب نوادر - الاثر^۲ . کتاب نوادر الدیریین^۳ از ابن اعرابی . کتاب نوادر بنی فقمس از ابن اعرابی کتاب نوادر ابن السکیت . کتاب نوادر ابن المخرجی^۴ . کتاب نوادر ابی الیقظان - که آنرا بخط ابن سعدان دیده‌ام . کتاب نوادر التوزی ابی محمد^۵ . کتاب ابی اسحاق الزجاج فی النوادر .

کتابهاییکه در انواع تألیف شده

کتاب الانواع - از اصمعی . کتاب الانواع - از ابو محلم . کتاب لانواع - از قطرب . کتاب الانواع - از ابن اعرابی . کتاب الانواع کتاب از مبرد . کتاب الانواع از ابن قتیبه . کتاب الانواع از ابوحنیفه دینوری . کتاب الانواع - از زجاج . کتاب الانواع - از ابن درید . کتاب الانواع از وهبی^۶ . کتاب الانواع - از مرثدی^۷ . کتاب الانواع - از وکیع . کتاب الانواع - از ابن عمار کتاب الانواع - از ابو غالب احمد بن سلیم رازی . کتاب الانواع - از محمد بن حبیب^۸ .

۱- ف (ابی شیل) .
 ۲- ف (الاندم) .
 ۳- ف (الزیرین) .
 ۴- ف (المصرحی) .
 ۵- ف (نوادر النور ابن ابی محمد) .
 ۶- ف (للدهنی) .
 ۷- ف (للمزیدی) .
 ۸- جب در حاشیه دارد (مقابله شد با اصل تصنیف عیناً و تصحیح گردید ، والحمد لله رب العالمین) .

(سومین جزء)

از

(کتاب الفهرست)

(در اخبار علما و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند)

(تألیف)

(محمد بن اسحاق ندیم معروف بابو یعقوب)

(وراق)

(از روی دستور و خط خود او)

(نقل گردید)

حکام‌خط‌المصنف
عبدہ محمد بن اسحق

(مشمول بر مقاله سوم)

گراور بالا نمونه‌ایست از خط نویسنده
نسخه چتر بیٹی، و تقلیدی که از خط
مصنف نموده است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقاله = سوم

از کتاب فهرست

در اخبار اخباریان^۱ و نسابان^۲ و صاحبان

احداث^۳ و آداب^۴

در سه فن

فن اول : در اخبار اخباریان، و نسابان ، و صاحبان سیر و احداث . و نام کتابهای آنان .

فن دوم : در اخبار نویسندگان، و مترسلان، و کارکنان خراج ، و نام کتابهای آنان .
فن سوم : در اخبار ادیبان ، و ندیمان ، و مغنیان . و صفادمه و صفاعنه^۶ و نام کتابهای آنان .

فن اول

محمد بن اسحاق گوید : بخط ابوالحسن بن کوفی خواندم ، که اولین تألیف کننده

-
- ۱- رجوع شود بصفحه ۱۲ همین کتاب .
 - ۲- انساب جمع نسب بمعنی خویشان پدری و عالم بآنرا نسابه خوانند(اقربالموارد) .
 - ۳- احداث بمعنی چیزهای تازه (فرهنگ نفیسی) و باصطلاح امروز صاحب مکتب .
 - ۴- ف (و آیات) .
 - ۵- رجوع شود بصفحه ۴ همین کتاب .

کتاب درمثالب^۱ زیاد بن ایبه بود، چه او همینکه دید در نسبش طعن^۲ زنند آنرا تألیف کرد و بفرزندش (داد) و گفت: این کتاب را پشتیبان خود بر عربها قرار دهید تا دست از شما بردارند.

نام و اخبار کسانی که در صدر اول اسلام

مآثر و انساب و اخبار از آنها

گرفته شد

دغفل

بنوشته ابن بربری^۳، ویرا حجر بن حارث کنانی، ولقبش را دغفل گویند، و او را دغفل ذهلی نسابه، و دغفل بن حنظله سدوسی نیز گفته اند. پیغمبر صلعم^۴ را درک کرد ولی چیزی از او شنیده نداشت، و بر معاویه درآمد. و قدامه بن ضرار قریمی بنزدش آمده، و دغفل نسب او را همی گفت تا رسید پیدر قدامه، و گفت فرزندان ضرار دو نفرند، یکی از آنها عابد، و دیگری شاعر است، تو کدامیک از آنها هستی، گفت من همان شاعر ابلهم، و آنچه درباره نسب و سرگذشت من گفتی درست بود، پس بمن بگو چه وقت خواهم مرد، جواب داد، این دیگر با من نیست، دغفل را خوارج بقتل رساندند و تصنیفاتی ندارد.

بکری

نسابه ایست نصرانی، و رؤبه بن عجاج از وی روایت کرده، که میگفت: دانش آفتی است که بینوائی و تنگدستی دارد.

لسان الحمرة

نامش وقاء بن اشعر، کنیه اش ابو کلاب، و از علما نسب، و بیش از هر کس گمراهی و تکبر داشت.

عبید بن شریه جرهمی

در زمان معاویه بود، و پیغمبر صلعم^۴ را درک کرده، و از او چیزی شنیده نداشت، وقتی بر معاویه بن ابوسفیان درآمد، معاویه از وی اخبار پیشینیان و پادشاهان عرب و عجم، و اسباب تبلبل^۵ زبانها، و پراکندگی مردم را بشهرها پرسید. و او را از صنعا^۶ یمن احضار

۱- مثالب - عیبه و نقصها (منتهی الارب).
 ۲- ف (ظفر) جب (طعن).
 ۳- ف (یزیدی).
 ۴- ۵- ۴- جب (علیه السلام).
 ۵- تبلبل - در آویختن زبانها و مختلف شدن آن (منتهی الارب).
 ۶- صنعا نام شهر است در یمن که در خوبی آب و هوا مانند دمشق است (فرهنگ نفیسی).

کرده بود . او هم بتمام چیزهائی که معاویه خواسته بود جواب داد . معاویه امر کرد آنها را با انتساب آن بعبیدبن شریه بنویسند . عبیدبن شریه تا دوران عبدالملک بن مروان زنده بود . و این کتابها از اوست : کتاب الامثال . کتاب الملوك و اخبار الماضین .

نام کسانی که از عبیدبن شریه

روایت کرده اند

کیس نمری ، و فرزندش زیدبن کیس^۱ . لسین جرهمی . و عبدود جرهمی .

علاقه بن کرشم^۲ کلایی

از بنی عامر بن کلاب . و در دوران یزیدبن معاویه حیات داشت ، و بسر گذشت عرب و گفتارشان آگاه و از کسانی بود که مآثر عرب از وی نقل^۳ گردید (ویزید او را در شب نشینهای خود در آورد) . و از کتابهای اوست : کتاب الامثال - در حدود پنجاه ورق ، و من آنرا دیده ام .

صحار عبیدی

از خوارج ، و نامش صحار بن عباس ، و یکی از داناتایان نسب و خطیبان دوران معاویه بن ابوسفیان بود . و با دغفل سرگذشتهائی داشت . وی از طرفداران عثمان و از طائفه عبدالقیس بود و دوسه حدیث هم از پیغمبر صلعم روایت کرده ، و کتاب الامثال از اوست .

شرقی بن قطامی

کنیه اش ابوالمثنای کلبی ، و نامش ولید بن حصین ، یکی از نسابان و روایان اخبار و انساب و دیوانهای عرب است . و یوسفی او را دروغگو نوشته و از اصمعی روایتی دارد که برخی از روایان باو گفته بودند که از شرقی پرسیدم که عرب در نماز گذاری بر مردگان خود چه میخواندند ، جواب داد ، نمیدانم من باو گفتم این شعر را میخواندند :

مَا كُنْتُ وَ كُواكَا وَلَا ابْنَ آؤَكْ^۴ رَوَيْدَكَ حَتَّى يَبِيْثَ الْخَلْقِ بِأَعْنَهُ^۵

چیزی نگذشت که (من) روز جمعه او را در مقصوره دیدم که در این باره سخن - سرائیهایی داشت . و شرقی در غریب نیز دارای قصیده ایست .

۱- ف این جمله را بعد از لسین جرهمی آورده .

۲- ف (کریم) . ۳- جب (احداث) ف (اخذ) .

۴- ف (اوایل) . ۵- ترسو نبودی و فرزند دروغین نبودی پس صبر کن

تا روز رستاخیز فرا رسد .

صالح حنفی و ابن کواء

نام صالح، عبدالله بن عمر بن یشکر است. وی نسب‌دان و عالم و از شیعیان و پیروان علی علیه السلام بود. و در نسب دانی ابن کوانیز گفته مسکین دارمی را (برای من) دلیل آوردند که گوید:

هَلُمَّ إِلَى بَنِي الْكَوَاءِ تَقَضُّوا
بِحُكْمِهِمْ بِأَنْسَابِ الرِّجَالِ^۱

صغدی

نامش صالح بن عمران، و چون پدرش مدت زیادی در صغد^۲ اقامت داشت، ویرا صغدی خواندند و باخبار پینمبر صلعم^۳ معرفت داشت. و این کتاب از اوست: کتاب غزاة^۴ ذات-الاباطیل.

مجالد بن سعید

ابن عمیر، از همدان، مکنی با بو عمیر. که هیشم بن عدی از او روایات بسیاری دارد. وی راویة اخبار بود و حدیث را نیز شنیده داشت، و محدثان روایتهای او را ست دانند، و در سال صد و چهل و چهار وفات یافت.

سعد قصیر

برده بنی امیه، و از دانایان انساب بود، عتبی اخبار خاندان خود، و مناقب و اشعارشانرا از او گرفته است.

عیسی بن داب

ابوالبیده عیسی بن یزید بن بکر بن داب، (از) کنانه شداخ است. و بازماندگانی در بصره دارد. و یحیی بن یزید برادر اوست. و پدرشان نیز از دانایان اخبار و اشعار عرب و از شاعران بود، ولی خاندان داب بیشتر باخبار سروکار داشتند.

قرقبی

نامش زهیر بن میمون همدانی، کنیه اش ابومحمد، از نحویان و قاریان قرآن بود. از

۱- بیائید و نزد ابن کوا، بروید تا درباره انساب مردم بگفته آنها قضاوت کنید.
 ۲- صغد از جاهای مهم و آباد ماوراءالنهر و مرکز آن سمرقند است (قاموس الاعلام ترکی).
 ۳- جب (علیه السلام). ۴- ف (عراة). ۵- ف (ابوالولید).

وی پرسیدند نحو را چگونه بدست آوردی ، گفت : از اصحاب ابواسود فرا گرفتم . زهیر بانساب و اخبار و سرگذشت مردم آگاه بود . و در سال صدوپنجاه و پنج وفات یافت .

اخبار عوانه

عوانه بن حکم بن عیاض بن وزرا^۱ بن عبدالحارث کلبی ، مکنی بابوالحسن ، از علماء کوفیان . و راویة اخبار ، و عالم بشر و نسب است . وی فصیح و نابینا بود . هشام کلبی در روایاتی که از وی نموده ، نقل کند که عوانه گفت: که عتبه بن نهاش عجلی برای ما سخن رانی مینمود ، و گفت چه چیزی از این گفته خداوند بهتر است که میفرماید :

لَيْسَ حَىُّ عَلَى الْمُنُونِ بِيَأَقِ غَيْرَ وَجْهِ الْمَسْبُوحِ الْخَلَّاقِ^۲

من از جا برخوایم و گفتم ، خداوند چنین چیزی نفرموده و این را عدی بن زید گفته است . عتبه گفت بخدا سوگند^۳ من گمان داشتم که از کتاب خداست و از منبر پائین آمد . و زنی از خوارج را دستگیر کردند و بنزدش بردند . باو گفت ، ای دشمن خدا چرا برامیر مؤمنان خروج کردی مگر این فرموده خداوند عزوجل را نشنیده :

كُتِبَ الْقَتْلُ وَالْقِتَالُ عَلَيْنَا وَ عَلَى الْغَانِيَاتِ جِرُّ الدِّيُولِ^۴

آن زن جواب داد : ای دشمن خدا چیزیکه ما را وادار بخروج نمود همین نادانی شما بکتاب خدا ، و پایمال کردن حق خداست . عوانه در سال صدوچهل و هفت وفات یافت و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ . کتاب سیره معاویه و بنی امیه . و گویند این کتاب تألیف منجاب بن حارث است ، ولی صحیح همان است که از عوانه بود .

بخط ابوعبدالله بن مقله خواندم که ، ابوالعباس ثعلب گوید : ولید بن یزید بن عبدالملک دیوان عرب و اشعار ، و اخبار ، و انساب ، و لغتشان را جمع کرده بود و آن دیوان را بجماد و جناد داد .

اخبار حماد

ابوالقاسم حماد بن ساپور بن عبید ، و ساپور مکنی بابولیلی ، و از اسیران دیلم^۵ بود . ویرا فرزند عروه بن زید الخیل (طائی) باسارت درآورد ، و بدخترش لیلی بخشید . که پنجاه سال باو خدمت کرد و پس از وفات آن زن ، بدویست درهم فروخته شده ، و عامر بن مطر

۱- (وزیر) . ۲- نیست جاندار درجهان باقی جز همان امر بدکاری که پرستش کنیم .

۳- ف (قاتله الله) . جب (الله) . ۴- کشت و کشتار برای مانوشته شده ، و برای گل بیکران

کشیدن دامان . ۵- دیلم شهر است در گیلان (فرهنگ نفیسی) .

شیبانی ویرا خریدده و آزاد نمود. نام ابولیلی را میسره هم گفته‌اند. حماد چه بسا میشد که چیزهائی را بفلط ادا میکرد (و راویه اخبار و اشعار و انساب) در دوران ولید بن عبدالملک بود. و تا سال صد و پنجاه و شش زندگی کرد و در این سال وفات یافت. با مهدی مجالست میکرد و خود او گوید: برای ولید که اشعار خوبی میخواندم او از من سفساف^۱ میخواست و از خواندن آن بوجد میآمد، و من پی میبردیم که کارها رو بخرابی است. برای مهدی که آن گونه اشعار را میخواندم او از من شعر خوب و محکم میخواست، و من میفهمیدم که اقبال در کارشان روی آورده است. حماد متولد سال هفتاد و پنج بود و در مردنش محمد بن کناسه این مرثیه را در حق او سرود:

أَبَعْدَتْ عَنْ نَوْمِكَ الْغَرَارُ ^۲ فَمَا	جَاوَزَتْ حَتَّى ^۳ أَنْتَهَى بِكَ الْقَدْرُ ^۴
لَوْ كَانَ يُنْجِي مِنَ الرَّدَى حَذْرُ	نَجَاكَ مِمَّا أَصَابَكَ الْحَذْرُ ^۵
يَرْحَمُكَ اللَّهُ مِنْ أَخٍ يَا أَبَا	الْقَسَمِ مَا فِي صَفَائِهِ ^۶ كَدْرُ ^۷
وَ هَكَذَا يَفْسُدُ الزَّمَانُ وَ يَفْنَى	الْعِلْمُ مِنْهُ وَ يَدْرُسُ الْأَثْرُ ^۸

از حماد کتابی دیده نشد ولی مردم از او روایت‌هایی نموده و بعدهم تصنیفاتی کرده‌اند.

اخبار جناد

ابو محمد جناد بن واصل کوفی، برده بنی‌اسد. کنیه‌اش را ابو واصل گفته‌اند. نحورا بخوبی نمیدانست و باشعار و روزگار عرب‌دانانتر از هر کسی بود ولی در اداء کلمات اغلاط بسیاری داشت. بخط (ابوالطیب) اخی الشافعی خواندم، که جناد و اسحاق بن جصاص بدیدار ابو عرار عجللی اعرابی رفتند که مرد فصیحی بود، جناد باو گفت چیزی گفته‌ام، گوشدار، و (جایزه‌اش را) بده، گنت بگو، (جناد) گفت:

فَانْظُرِي إِلَيَّ دِيرُهُنَّ كَيْفَ خَطَّتْ مَقَابِرَهُ	فَانْظُرِي إِلَيَّ دِيرُهُنَّ كَيْفَ خَطَّتْ مَقَابِرَهُ
فَانْظُرِي إِلَيَّ دِيرُهُنَّ كَيْفَ خَطَّتْ مَقَابِرَهُ	فَانْظُرِي إِلَيَّ دِيرُهُنَّ كَيْفَ خَطَّتْ مَقَابِرَهُ

اسحاق گفت:

تَرَى عَجَبًا فِيمَا قَضَى اللَّهُ فِيهِمْ	رَهَائِنُ حَتْفٍ أَوْ جِبْتَهُ مَقَادِرَهُ
--	--

۱- بد و پست از هر چیز (المنجد).

۲- ف (الفرار) و غرار کم خوابی (اقرب الموارد).

۳- ح (حیث). ۴- خواب کمی را هم از دیده خود دور ساختی چیزی نگذشت

که قدر بتو پایان داد.

۵- اگر بیمناکی از مرگ رهائی بخش بود تو را از پیش آمده‌های بد نجات میداد.

۶- ف (صفاته). ۷- خداوند تو را رحمت کند ای ابوالقاسم و برادر یکه در

صفای تو تیره‌گی وجود نداشت.

۸- زمانه بدینگونه فاسد شود و دانش نابود و اثرها کهنه و مندرس گردد.

ابو عرار گفت :

ببوت تری ائقالها^۱ فوق اهلها
و مجمع زور لایکلم زائره^۲

ابو اسحاق

ابراهیم بن محمد بن حارث بن اسماء بن خارجه فزاری ، با آنکه با فضل و حبری^۳ بود مع ذلك در گفتار غلط فراوان داشت ، و در مصیبه^۴ سال یکصد و هشتاد و هشت از دنیا رفت ، و این کتابها از اوست : کتاب السیر فی الاخبار والاحداث - و ابو عمرو معاویه بن عمرو ازدی^۵ این کتابرا از وی روایت کرده و این ابو عمرو در سال دوست و پانزده در بغداد وفات یافت (کتاب السیر و الجهاد . و او مرد موثق و حجتی بود)^۶ .

اخبار ابن اسحاق مؤلف

کتاب السیر

ابو عبیدالله محمد بن اسحق بن بشار^۷ ، رفتارش ناپسند و مورد سرزنش همگان بود . گویند با میر مدینه خبر رسید که محمد با زنان منازله کند . امیر او را احضار کرد ، و دستور داد موی سرش را که رونقی داشت کم کنند^۸ و چند ضربه تازیانه بیاورد و او را از نشستن در پائین مسجد منع کرد . وی را صورت زیبایی بود و از قول فاطمه دختر منذر ، زن هشام بن عروه چیزها روایت میکرد ، این خبر که بهشام رسید ناخوش گردیده و گفت چه وقت او نزد فاطمه رفتند که چیزی از وی شنیده باشد .

و گویند اشخاصی شعرهایی میگفتند و برای او آورده و از او میخواستند که در کتاب السیر خود بگنجاند از این جهت اشعاری در کتابش دیده شد که نزد راویان شعر مفتضح بود . و در نسب نیز اشتباهاتی در کتاب خود کرده است . نسبت بیهود و نصاری خوشین ، و در نوشته های خود آنها را اهل علم پیشینیان خوانده است . و صاحبان حدیث ویرا ضعیف و بدنام میدانند .

ابن اسحاق در سال صد و پنجاه وفات یافت و این کتابها از اوست : کتاب الخلفاء -

۱- ف (افعالها) . ۲- برای معانی این اشعار در صفحه ۷۸ رجوع شود .

۳- ف (حرا) و حبر بر عالم . یا عالم صالح اطلاق میشود (اقرب الموارد) .

۴- مصیبه شهر است در اناطولی که سابقاً (مسیس) نام داشته و عرب آنرا باین نام خوانند (قاموس الاعلام ترکی) .

۵- ف (الرومی) . ۶- در (جب) این جمله بخط بسیار بدی نوشته شده و

پیدا است که بعد اضافه شده است . ۷- ف (یسار) . ۸- ف (فوقف) جب (فرقی) .

بروایت اموی . کتاب السیره و المبتدا و المغازی - بروایت ابراهیم بن سعد ، و نفیلی . و این نفیلی نامش محمد بن عبدالله بن نهر نفیلی است که در سال دو بیست و سی و چهار در حران^۱ وفات یافته ، و کنیه اش ابو عبدالرحمن بود .

نجیح مدنی

ابومعشر ، نامش نجیح مدنی ، برده زنی از بنی مخزوم بود و با او قرارداد مکاتبه^۲ برای آزادی خود داشت ، و باحداث و اسماز زیاد آگاه بود و یکی از محدثان بشمار میرفت و در ایام هادی سال (هفتاد)^۳ در گذشت . و از کتابهای اوست : کتاب المغازی .

ابومخنف

لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی ، از اصحاب علی علیه السلام ، و از پیغمبر صلعم (وصحابه) روایاتی دارد . و در ... وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب - الرده . کتاب فتوح الشام . کتاب فتوح العراق . کتاب الجمل . کتاب صفین . کتاب اهل النهروان و الخوارج . کتاب الغارات . کتاب مقتل محمد بن ابی بکر و الاشر و محمد بن ابی حذیفه . کتاب الشوری و مقتل عثمان . کتاب المستورد بن علفه . کتاب مقتل الحسین علیه السلام . کتاب الخریث^۴ بن راشد و بنی ناجیه . کتاب مقتل علی علیه السلام^۵ کتاب مقتل حجر بن عدی . کتاب وفاة معاویه و ولایة ابنه یزید و وقعة الحرة و حصار ابن الزبیر ، کتاب المختار بن ابی عبید . کتاب سلیمان بن سرد و عین الوردة . کتاب مرج راهط و بیعة مروان و مقتل الضحاک بن قیس . کتاب مصعب و ولایته العراق . کتاب مقتل عبدالله بن الزبیر . کتاب مقتل سعید بن العاص . کتاب حدیث یا حمیراء و مقتل ابن الاشعث . کتاب بلال الخارجی . کتاب فجة ابی مر بک^۶ . کتاب حدیث الازارقه . کتاب حدیث روشنقباز^۷ . کتاب شیبب الحروری^۸ و صالح بن مسرح کتاب مطرف بن مغیره . کتاب دیر الجماجم و خلع عبدالرحمن بن الاشعث . کتاب یزید بن المهلب و مقتله بالعقر . کتاب خالد بن عبدالله القسری و یوسف بن عمر ، و موت -

۱ - رجوع شود بصفحه ۱۹ همین کتاب .

۲ - مکاتبه از مصطلحات فقه است و معنای آن قرارداد است که برده یا خداوندگارش برای آزادی خود میگذارد . (ر.ک. شرایع الاسلام) .
۳ - کلمه هفتاد با خط بسیار بد در جیب آمده و پیدا است که الحاق شده و ظاهر امر اد نویسنده صد و هفتاد بوده که سال وفات هادیست (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) .

۴ - ف (الخریث) .

۵ - ف (رضی الله عنه) .

۶ - ف (ابی قبیل) .

۷ - ف (روستقباز) .

۸ - ف (الخارجی) .

هشام ، وولاية الوليد (بن يزيد . كتاب زيد بن علي عليه السلام) . كتاب يحيى (بن زيد) .
كتاب الضحاك الخارجي .

بخط احمد بن حارث خزاز خواندم : علما بر آنند که ابومخنف پیش از دیگران در
امر عراق ، و اخبار ، و فتوحات وارد بود . و مدائنی در امور خراسان ، و فارس و
واقدي بامور حجاز و سیرت اطلاعات بیشتری داشته ، و همه اینها در فتح شام اطلاعاتشان
یکنواخت بود .

نضر بن مزاحم

ابوالفضل . در طبقه ابومخنف ، و از بنی منقر ، و عطار بود . و مزاحم فرزند یسار^۱
منقری است . و در ... وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب الغارات . کتاب صفین .
کتاب مقتل حجر بن عدی . کتاب مقتل الحسين بن علی عليهما السلام .

اسحاق بن بشر

در شمار اصحاب سیرت و احداث ، و مؤلف این کتابهاست : کتاب المبتداء . کتاب-
الردة . کتاب الجمل . (کتاب الفتوح) . کتاب الالويه . کتاب صفین . کتاب حفر زمزم .

سیف بن عمر

اسدی تهیمی . یکی از صاحبان سیره و احداث ، و مؤلف این کتابهاست : کتاب الفتوح
والرده . کتاب الجمل و خط مسير عایشه و (علی علیه السلام) . و از سیف ، شعیب بن ابراهیم
(بن ...) روایت کرده است^۲ .

عبد المنعم

بن ادریس بن سنان ، دخترزاده وهب بن منبه ، که در سال دوست و بیست و هشت وفات
یافته و صد سال داشته و در آخر عمر کور شده بود . و از کتابهای اوست : کتاب المبتدا .

معمر بن راشد

از مردم کوفه و در شمار اصحاب سیرت و احداث بود ، و عبدالرزاق از او روایت کرده
است ، از کتابهای اوست : کتاب المغازی .

۱- ف (سیار) . ۲- ف (وروی سیف عن شعیب بن ابراهیم) جب (وروی عن سیف) .

لقیظ محاربی

ابوهلال لقیظ بن بکیر^۱ محاربی کوفی ، از بنی محارب بن حفصه ، و از علما و مصنفان و شاعر بدخوئی بود ، و تا سال صد و نود حیات داشت . از کتابهای اوست : کتاب السمر . کتاب الحراب والصوص . کتاب اخبار الجن .

ابویقظان نسابه

حسین بن فهم ، از دمشقی از قول زبیر حکایت کند که مدائنی میگفت : ابویقظان ، سحیم بن حفص است و لقبش سحیم و نامش عامر بن حفص بود . حفص فرزندی بنام محمد داشت که بزرگتر از سایر فرزندان او بود . حفص رنگ بسیار سیاهی داشت که ویرا حفص-الاسود میخواندند و ابویقظان گوید: پانزده روز مادرم مرا عبیدالله خواند . و مدائنی گوید: اگر گویم ابویقظان برای ما حکایت کرد . مرادم همان ابویقظان است . و اگر گویم سحیم بن حفص ؛ عامر بن حفص ؛ یا عامر بن ابومحمد ؛ عامر بن اسود ؛ سحیم بن اسود ؛ عبیدالله بن قاید^۲ و ابواسحاق ، باز همان ابویقظان است . و او باخبار ، و انساب ، و مآثر ، و مثالب عالم ، و در روایت ثقی بود . و در سال صد و هفتاد^۳ در گذشت . و این کتابها از اوست : کتاب حلف^۴ تمیم بعضها بعضا . کتاب اخبار تمیم . کتاب نسب خندف و اخبارها . کتاب النسب-الکبیر - مشتمل بر نسب : ایاد ، کنانه ، اسد بن خزیمه ، هون بن خزیمه ، هذیل بن مدرکه قریش ، بنی طابخه ، قیس عیلان ، ربیعه بن نزار ، و تیم بن مره ، و نسبهای دیگران^۵ . کتاب النوادر ، و من آنرا بخط ابن سعدان دیده‌ام .

خالد بن طلیق

بن محمد بن عمران بن حصین خزاعی اخباری^۶ ، از راویان نسب ، و خودپسند و متکبر بود . مهدی ویرا بقضاوت در بصره گمارد ، و تکبرش باین اندازه بود که هنگام برپا شدن نماز او در جای خود میایستاد . و چه بسا که تنها میماند ، مردی بوی گفت ، صف بسته شد^۷ جواب داد: صف باید بمن بسته شود . از کتابهای اوست: کتاب المآثر کتاب المتزوجات . کتاب المناقرات . کتاب الرهان^۸ .

۱- ف (بکر) .

۲- ف (حفص) .

۳- ف (نود) .

۴- ف (خلق) .

۵- این جمله در (ف) پس از ابن سعدان آمده .

۶- ف (انماری) .

۷- ف (استوی الصف) جب (استوفی الصف) .

۸- ف (البرهان) .

زهري

نامش عبدالله بن سعد زهري، و از صاحبان سیره است. از کتابهای اوست : کتاب فتوح خالد بن الوليد .

ابن ابو مریم

ابو عبدالله سعید بن ابو مریم ، عالم با نساب و اخباری بود . از کتابهای اوست : کتاب النسب . کتاب المآثر . کتاب نوافل العرب .

اخبار محمد بن سائب

ابو نصر محمد بن سائب کلبی، و بنوشته ابن کوفی ، محمد بن مالک بن سائب بن بشر بن عبدالعزی^۱ بن امرؤ القیس^۲ بن عامر بن نعمان بن عامر بن عبدود بن عوف بن کنانه بن عروه^۳ بن زید اللات بن رفیده بن کلب ، از علماء کوفه در تفسیر ، و اخبار ، و سرگذشتهای مردم است . و در علم انساب بر همه برتری داشت. و ویرا فرزندی بنام عباس بود که از وی روایت میکرد .

آورده اند که سلیمان بن علی ، محمد بن سائب را از بصره بکوفه آورد ، و در خانه خود نشاند . و او شروع با ملاء (تفسیر) قرآن بر مردم نمود ، تا بآیه از سوره براءة رسید ، و آنرا برخلاف آنچه مشهور (بود) تفسیر کرد ، همه گفتند ما این تفسیر را ننویسیم ، محمد گفت بخدا سوگند يك كلمه دیگر تفسیر نخواهیم کرد مگر آن تفسیر را ، همچنانکه خدا نازل فرموده است ، نویسد . ما جری را سلیمان بن علی بردند ، گفت : هر آنچه او گوید ، بنویسد ، و جز آن را رها نمائید^۴ .

هشام بن محمد گوید : پدرم بمن گفت ، نسب قریش را از ابوصالح فرا گرفتیم . و او آنرا از عقیل بن ابوطالب داشت . و نسب کنده را از ابو کناس کندی آموختم که دانایتر از هر کسی بآن بود . و نسب معد بن عدنان را ، از نجار بن اوس عدوی^۴ دریافتم ، که محفوظاتش بیش از هر کسی بود که من دیده و شنیده داشتم . و نسب ایاد را از عدی بن زیاد از دی^۵ بدست آوردم ، که با یاد عالم بود .

وهشام گوید : من نسب ربیع را از پدرم ، و از خراش بن اسمعیل عجلی آموختم .

۱- ف (عبدالعربی) . ۲- ف (امری) . ۳- ف (عذره) .

۴- ف (ودعوا فاسوی ذلك) و (دعوا ماسوی ذلك) .

۵- ف (العدوانی) . ۵- ف (رثاث ایادی) .

محمد بن سائب گوید : عبدالله بن حسن نام سکینه دخت حسین علیه السلام را از من پرسید ، گفتم امیمه ، گفت ، همانست که گفتم .
محمد بن سائب در سال یکصد و چهل و شش ، در کوفه ازدنیا رفت . و از کتابهای اوست :
کتاب تفسیر القرآن .

اخبار هشام کلبی

محمد بن سعد کاتب واقعی گوید ، که او هشام بن محمد بن سائب بن بشر است که ، بانساب ، و اخبار و سرگذشت ، و مثالب ، و وقایع ، عرب ، عالم بود و آنها را از پدرش ، و گروهی از راویان عرب آموخته بود .
اسحاق موصلی گوید : سه نفر را میدیدم که هنگام دیدن سه نفر دیگر زبون^۱ و خوار میگرددند هیشم بن عدی^۲ هنگامیکه هشام کلبی را میدید . و علویه اگر مخارق را میدید . و ابونواس اگر ابو عتاهیه را میدید . هشام در سال دوست و شش وفات یافت ، و تصنیفات او را آنچه در یاد دارم بترتیبی که ابوالحسن بن کوفی نوشته در اینجا ذکر مینمایم :

کتابهای او در احلاف^۳

کتاب حلف عبدالمطلب و خزاعه . کتاب حلف الفضول و قصة الغزال . کتاب حلف کلب و تمیم . کتاب المغیرات^۴ . کتاب حلف اسلم فی قریش .

کتابهای او در مآثر

و خاندانها و منافرات و مؤودات^۵

کتاب المنافرات . کتاب بیوتات قریش . کتاب فضائل قیس عیلان . کتاب المؤودات . کتاب بیوتات ربیعہ . کتاب الکنی . کتاب اخبار العباس بن عبدالمطلب . کتاب خطب علی علیه السلام^۶ . کتاب شرف قصی بن کلاب و ولده فی الجاهلیة و الاسلام . کتاب القاب قریش . کتاب القاب بنی طابخه . کتاب القاب قیس عیلان . کتاب القاب ربیعہ . کتاب القاب الیمن .

۱- ف (یندوبون) جب (یندنون) از ماده دن ء - یا - دن و . بمعنی پست و حقیر است (منتهی الارب) .
۲- ف (والزهری) .
۳- احلاف جمع حلف بمعنی هم قسم شدن (منتهی الارب) .
۴- ف (المعران) .
۵- منافرات : مفاخرت در حسب و نسب . و مؤودات دختران زنده بگور شده (المنجد) .
۶- ف (خطبة علی کرم الله وجهه) .

کتاب المثالب . کتاب النوافل - مشتمل بر : نوافل قریش : نوافل کنانه ، نوافل اسد ، نوافل تیم . نوافل قیس . نوافل ایاد ، نوافل ربیعہ .
کتاب تسمیة من نفل من عاد و ثمود و العمالیق و خبرهم^۱ و بنی اسرائیل من العرب و قصة الهجرتین^۲ و اسماء قبائلهم . نوافل قضاءه . نوافل الیمن .

و از کتابهای هشام

کتاب ادعاء زیاد معاویة . کتاب اخبار زیاد بن ابیه . کتاب صنایع قریش . کتاب المشاجرات^۳ . کتاب المناقلات . کتاب المعاتبات . کتاب المشاغبات . کتاب ملوک الطوائف . کتاب ملوک کنده . کتاب بیوتات الیمن . کتاب ملوک الیمن من التبابعة . کتاب افتراق (ولد معد) . (کتاب تفرق) ولد نزار . کتاب تفرق الازد . کتاب طسم و جدیس . کتاب من قال بیتا من الشعر فنسب الیه . کتاب المعرفات من النساء فی قریش .

کتابهای او در اخبار گذشتگان

کتاب حدیث آدم و ولده . کتاب عاد الاولى والاخرة . کتاب تفرق عاد . کتاب اصحاب الکهف . کتاب رفع عیسی علیه السلام . کتاب المسوخ من بنی اسرائیل . کتاب الاوائل . کتاب امثال حمیر . کتاب خبر^۴ الضحاک . کتاب منطق الطیر . کتاب غزیه . کتاب لغات القرآن . کتاب المعمرین . کتاب الاصنام . کتاب القداح . کتاب اسنان الجزور . کتاب ادیان العرب . کتاب احکام^۵ العرب . کتاب وصایا العرب . کتاب سیوف . کتاب الخیل . کتاب الدفائن . کتاب فحول (جیل) العرب^۶ . کتاب الندماء^۷ . کتاب الکهان . کتاب الجن . کتاب اخذ کسری رهن العرب . کتاب ما كانت الجاهلیة تفعله ویوافق حکم الاسلام . کتاب ابن^۸ عتاب ربیع حین سئل عن العویص . کتاب عدی بن زید العبادی . کتاب الدوسی . کتاب حدیث بیس و اخوته . کتاب مروان القرط^۹ . کتاب السیوف .

کتابهای او در چیزهاییکه در اسلام

هم آهنگی با جاهلیت دارد

کتاب الیمن و امر سیف . کتاب منا کح ازواج العرب . کتاب الوفود^{۱۰} . کتاب ازواج النبی

۱- ف (و جرهم) . ۲- ف (الهجرس) . ۳- ف (المشاجرات) .
۴- ف (حی) . ۵- ف (حکام) . ۶- ف (اسماء فحول العرب) .
۷- ف (الفداء) . ۸- ف (ابی) . ۹- ف (القرظ) . ۱۰- ف (الوفود) .

صلعم . کتاب زید بن حارثه حب النبي صلعم . کتاب تسمية من قال بيتاً اوقيل فيه . کتاب الديباج فی اخبار الشعراء . کتاب من فخر باخواله من قریش . کتاب من هاجر و ابوه . کتاب اخبار الجن^۱ و اشعارهم . کتاب دخول جریر علی الحجاج . کتاب اخبار عمرو بن معدیکرب .

کتابهای او در اخبار اسلام

کتاب التاريخ . کتاب تاریخ اجناد^۲ الخلفاء . کتاب صفاة الخلفاء . کتاب المصلين .

کتابهای او در اخبار شهرها

کتاب البلدان الكبير . کتاب البلدان الصغير . کتاب تسمية من بالحجاز من احياء العرب . کتاب قسمة الارضين . کتاب الانهار . کتاب الحيره . کتاب منار اليمن . کتاب العجائب الاربعة . کتاب اسواق العرب . کتاب الاقاليم . کتاب الحيرة و تسميته البيع والديارات و نسب العباد^۳

کتابهای او در اخبار شاعران^۴

و سرگذشتهای عرب

کتاب تسميته ما في شعر امرؤ القيس من اسماء الرجال والنساء و انسابهم و اسماء الارضين والجبال والمياه . کتاب من قال بيتاً من الشعر فنسب اليه . کتاب المنذر ملك العرب . کتاب داحس والفبراء . کتاب ايام فزاره و وقایع بنی شیبان . کتاب وقایع الضباب و فزاره . کتاب يوم سيف^۵ . کتاب الكلاب وهو يوم النشاس^۶ . کتاب ايام بنی حنیفه . کتاب ايام قيس بن ثعلبه . کتاب الايام . کتاب مسیلمة الكذاب (و سجاج) .

کتابهای او در اخبار و اسما

کتاب الفتيان الاربعة . کتاب السمر . کتاب الاحاديث . کتاب المقطعات . کتاب حبيب العطار . کتاب عجائب البحر .

محمد بن اسحاق گوید : کتاب النسب الكبير . مشتمل است بر نسب : مضر ، کنانة بن خزيمه ، اسد بن خزيمه ، هذيل بن مدرکه^۷ ، بنی زيد مناة بن تميم ، تيم الرباب ، عكل ، عدی ، ثور ، طحل^۸ مزينه ، ضبه ، قيس عيلان ، غطفان ، باهله ، غنى ، سليم ، عامر بن صعصعه ، مرة

۱- ف (الحر) .

۲- جب (اخبار) .

۳- ف (سنيق) .

۴- ف (اطحل) .

۵- ف (الشعر) .

۶- ف (العباديين) .

۷- ف (مدكره) .

۸- ف (السنايس) .

بن صمصه ، حارث بن معاویه^۱ . نضر بن معاویه ، سعد بن بکر ، ثقیف ، محارب بن خصفه ، فهم ، عدوان ، ربیعة بن عامر ، ایاد ، عک ، و علی .
 نسب یمن : کنده ، سکون ، سکاسک ، عامله ، جذام ، قادم ، خولان ، معافر^۲ ، مذحج ، طی من مذحج^۳ ، مذحج بن کعب ، مسلیه^۴ ، اشجع ، رهاء^۵ ، صداء ، جنب ، حکم بن سعد (العشیره) ، زبید ، مراد ، عنس ، اشعر ، ادد ، همدان ، ازد ، اوس ، خزرج ، خزاعه ، بارق ، غسان ، بجیله ، خثعم ، قضاعه ، بلقین ، نمره بن ویره ، لهب^۶ ، سلیم ، دهر (بلی) ، مهره ، عذره ، سلامان ، ضبة بن سعد ، جهینه نهدي^۷ بن زید .

نسبهای بزرگ که در حکم

یک نسب است

کتاب نسب قریش . کتاب نسب معد بن عدنان . کتاب (نسب) ولد العباس . کتاب نسب (آل) ابی طالب . کتاب نسب بنی عبد شمس بن عبد مناف . کتاب بنی نوفل بن عبد مناف . کتاب اسد بن عبد العزی بن قصی . کتاب نسب بنی عبدالدار بن قصی . کتاب نسب بنی زهره بن کلاب ، کتاب نسب بنی تیم بن مره . کتاب نسب بنی عدی بن کعب بن لوی . کتاب سهم بن عمرو بن هصیص . کتاب بنی عامر بن لوی . کتاب بنی الحارث بن فهر . کتاب بنی محارب بن فهر . کتاب الکلاب الاول والکلاب الثانی و همایومان من ایام العرب .

و نیز از کتابهای اوست

کتاب اولاد الخلفاء ، کتاب امهات النبی صلعم . کتاب امهات الخلفاء . کتاب العواتک^۸ . کتاب تسمیه ولد عبدالمطلب . کتاب کنی اباء الرسول صلعم . و نیز کتاب الجمهره دارد که ابن سعد آنرا روایت کرده است .

اخبار واقدی

ابو عبدالله محمد بن عمر واقدی ، برده اسلمیان ، از سهم بن اسلم ، شیعه نیکوکاری بود که جانب تقیه را از دست نمیداد . و او کسی است که روایت کرد : علی علیه السلام از معجزات

۱- ف (ربیعه) .

۲- ف (معافر) .

۳- ف (ورهاء) .

۴- ف (العواقل) .

۳- ف (بن) .

۶- ف (لخم) .

۴- ف (مسيلمه) .

۷- ف (فهد) .

پنجمبر صلعم بود؛ همچنانکه عصا برای موسی، صلعم و مرده زنده نمودن برای عیسی بن مریم علیه السلام. و روایتهای دیگری در همین زمینه.

واقدی از مردم مدینه بود که ببغداد نقل مکان کرد. و از جانب رشیدا در عسکر-المهدی بغداد^۲ قضاوت مینمود. و از عالمان بغزوات، سیرت، و فتوحات، و اختلافات مردم در حدیث و فقه، و احکام، و اخبار بود.

محمد بن اسحق گوید: در پاره از نوشتجات قدیمی خواندم، که واقدی پس از مرگش ششصد کتابدان بجا گذاشته بود که هر يك از آنها را دونفر برمیداشت. و دو برده زر خرید داشت که شبانه روز برایش مینوشتند. و پیش از آن هم معادل دوهزار دینار از کتابها را برایش فروخته بودند.

کاتبش محمد بن سعد از قول ابو عبدالله واقدی نقل کرده است که او در سال یکصدوسی بدنیا آمده بود. و در دوشنبه، شب یازدهم ذی حجه سال دویست و هفت، در سن هفتاد و هشت سالگی از دنیا رحلت کرده و محمد بن سماعه بر وی نماز گذارد، و در گورستان خیزران^۳ بخاک سپرده شد. از تألیفات اوست: کتاب التاریخ و المغازی و المبعث. کتاب اخبار مکه. کتاب الطبقات، کتاب فتوح الشام. کتاب فتوح العراق. کتاب الجمل. کتاب مقتل الحسین^۴ علیه السلام. کتاب السیره. کتاب وفاة النبی صلعم^۵ کتاب الردة والدار. کتاب حرب الاوس و الخزرج. کتاب صفین. کتاب ازواج البنی صلعم^۶ کتاب امر الحبیثة و الفیل. کتاب المناکح. کتاب السقیفة و بیعة ابی بکر. کتاب ذکر الاذان^۷. کتاب سیره ابی بکر و وفاته. کتاب مداعی قریش و الانصار فی القطائع و وضع عمر الدواوین و تصنیف القبائل و مراتبها و انسابها. کتاب الترغیب فی علم المغازی و غلط الرجال^۸. کتاب مولد الحسن و الحسین و مقتل الحسین علیه السلام. کتاب ضرب الدنانیر و الدراهم. کتاب تاریخ الفقهاء. کتاب الاداب. کتاب التاریخ الکبیر. کتاب غلط الحدیث. کتاب السنه و الجماعه و ذم الهوی و ترک الخروج^۹ و الفتن. کتاب الاختلاف - مشتمل بر: اختلاف اهل مدینه و کوفه در شفعه، و صدقه، (وهبه)، و عمری، و رقبی، و ودیعه، و عاریه، و بضاعة، و مضاربه، و غصب، و شرکه^{۱۰} و حدود، و شهادت، و بقیه کتابهای فقه از روی همین ترتیب.

۱- ف (المأمون).

۲- عسکر المهدی محله ایست در طرف شرقی بغداد (ر.ک دلیل خاوطه بغداد صفحه ۱۰۷).

۳- گورستان خیزران جای دفن خیزران زن مهدی خلیفه عباسی است (دلیل خارطه بغداد

ص ۱۰۸). ۴- ف (الحسن). ۵- جب (علیه السلام).

۶- جب (علیه السلام).

۷- ف (القرآن). ۸- ف (کتاب الترغیب فی علم القرآن و غلط الرجال).

۹- ف (- الخوارج). ۱۰- ف (والسرقة).

محمد بن سعد کاتب واقدی

ابو عبدالله محمد بن سعد، از اصحاب واقدی، و راوی او، که تمام کتابهای خود را از روی تصنیفات او تألیف کرده، و مرد موثق و پارسا، و عالم باخبار صحابه و تابعان بود. و در سال دویست و سی در گذشت. و این کتابها از اوست: کتاب اخبار النبی صلعم (کتاب الطبقات الکبری - مشتمل بر: اخبار پیغمبر، و طبقات اصحاب او از مردم مدینه،) (و طبقات مردم مکه، و پس از آن، طبقات طائف، یمن، یمامه، بحرین، کوفه، بصره،) (شام، جزیره مصر، آندلس، واسط، مدائن، بغداد، خراسان، ری، همدان، قم،) (انبار، و طبقات زنان، و ابن سعد این کتاب را از روی کتابهای واقدی، و کلبی، و هیشم بن عدی، و مدائنی، تألیف کرده و جز آن نیز، کتاب الطبقات الصغیر، کتاب الحیل، از) (اوست).

(و باز هم از اصحاب واقدی)

(اسمعیل بن مجمع . متوفی سال دویست و بیست و هفت و این کتاب از اوست :)
(کتاب اخبار النبی و مغازیه و سرایاه).

اخبار هیشم بن عدی

ابو عبدالرحمن هیشم (بن عدی) ثعلبی، از عالمان باشعار و اخبار، و مثالب، و مناقب. و متأثر و انساب است. در نسبش طعنه‌هایی میزدند. دعبل در این اشعار که ابودؤاد را هجو نموده از او نیز یاد کرده است.

سَلِّتْ أَبِي وَ كَانْ أَبِي عَلِيْمًا	بَاخْبَارِ الْحَوَاضِرِ وَالْبَوَادِي ^۱
فَقُلْتُ لَهُ أَهَيْشُمُ مِنْ عَدِي	فَقَالَ كَأَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَوْادٍ ^۲
فَأَنْ يَكُ هَيْشُمُ مِنْهُمْ صَمِيْمًا	فَأَحْمَدُ غَيْرُ شَكٍّ مِنْ أَيَادٍ ^۳
مَتَى كَأَنْتَ أَيَادٍ يَرْؤُسُ قَوْمًا	لَقَدْ غَضِبَ الْإِلَهِ عَلَى الْعِبَادِ ^۴

۱- از پدرم پرسیدم، و پدرم باخبار شهریان و صحرانشینان آگاه بود.

۲- باو گفتم آیا هیشم از عدی بود. گفت که او مانند احمد بن دؤاد است.

۳- اگر هیشم از نژاد آنان باشد، بی شک احمد از ایاد است.

۴- و هر زمان که ایاد بر قومی ریاست پیدا کند، خداوند بر بندگان خشمگین باشد.

هیثم در سال دویست و هفت که نزد حسن بن سهل در قم المصالح^۱ بود وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب المثالب . کتاب المعمرین . کتاب بیوتات قریش . کتاب الدولة . کتاب بیوتات العرب . کتاب هبوط آدم و افتراق العرب و نزولها و منازلها^۲ . کتاب نزول العرب بالسواد و خراسان . کتاب نسب طی . کتاب مدیح اهل الشام . کتاب حلف کلب و تمیم و حلف ذهل^۳ و حلف طی و اسد . کتاب تاریخ العجم و بنی امیه . کتاب المثالب الصغیر . کتاب المثالب الکبیر ، کتاب مثالب ربیعہ . کتاب اخبار طی و نزولها الجبلین و حلف ذهل^۴ و ثعل . کتاب مداعی اهل الشام . کتاب النوافل^۵ . کتاب اخبار زیاد بن ابیه^۶ . کتاب من تزوج من الموالی فی العرب . کتاب السباب^۷ . کتاب الجامع . کتاب الوفود . کتاب اسماء بنایا قریش فی الجاهلیة و اسماء من ولدن . کتاب خطط الکوفه . کتاب ولاة الکوفه . کتاب النساء . کتاب النکد . کتاب فخر اهل کوفه علی (اهل) البصرة . کتاب تاریخ الاشراف الکبیر . کتاب تاریخ الاشراف الصغیر . کتاب طبقات الفقها والمحدثین . کتاب (کنی) الاشراف . کتاب خواتیم الخلفاء . (کتاب اشراف الکتاب) . (کتاب حرس الخلفاء) . کتاب مختصر شرط الخلفاء . کتاب قضاة الکوفه و البصرة . کتاب عمال الشرط لامراء العراق . کتاب المواسم . (کتاب امراء خراسان واليمن . کتاب تاریخ الخلفاء . کتاب الخراج) کتاب الصوایف . کتاب الخوارج . کتاب النوادر . کتاب طبقات من روى عن النبی من اصحابه . کتاب تسمیة الفقها والمحدثین . کتاب التاريخ علی السنین . کتاب سجل^۸ الجواهر . کتاب اخبار الحسن (بن علی) علیه السلام و وفاته . کتاب السمیر^۹ . کتاب اخبار الفرس . کتاب خطب المصرین مکة والمدینة^{۱۰} . کتاب مقطعات الاعراب . کتاب المخبر . کتاب مقتل خالد بن عبدالله القسری والولید بن یزید (و یزید) بن خلف^{۱۱} بن عبدالله .

و از کسانی که از هیثم آموخته

و تألیفی داشتند :

ابو عمر عمری^{۱۲} ، نامش حفص بن عمر ، و مؤلف ، کتاب الزناة الاشراف و ذکر سباب

۱- رجوع شود بصفحه ۵۵ . ۲- ف (وافرق العرب فی نزولها منازلها) .

۳- ۴- ف (دهیل) . ۵- جب (النواقل) .

۶- ف (امیه) . ۷- ف (النشاب) .

۸- ف (منجل) . ۹- ف (السمی) . ۱۰- ف (خطب المضر من بمکه والمدینة) .

۱۱- ف (خالد) . ۱۲- ف (العنیری) .

العرب و ماجری بینها و ذکر ادعیاء الجاهلیه^۱ و بنوشته سگری ، کتاب النساء .

اخبار ابوالبحتری (قاضی)

ابوالبحتری وهب بن وهب بن کثیر بن عبدالله بن زمعه بن اسود بن عبدالعزی بن قسی ، وچنانکه گفته اند مادر^۲ او را که از اهل مدینه بود جعفر بن محمد علیهما السلام بزنی داشت . ابوالبحتری فقیه و اخباری و نسب شناس بود . هارون ویرا در عسکر المهدی بقضاوت منصوب داشت . و بعد او را عزل کرده ، و پس از بکار بن عبدالله ، ویرا بسمت والی مدینه پیغمبر علیه السلام و جنگ با بکار فرستاده و قضاوت را نیز با او محول داشت ، سپس معزول شده پیفداد آمده و همانجا در گذشت ، و در حدیث ضعیف شمرده میشد . از کتابهای اوست : کتاب الرایات . کتاب طسم و جدیس . کتاب صفة النبی صلعم . کتاب فضائل الانصار . کتاب الفضائل الکبیر - مشتمل بر تمام فضائل . کتاب نسب ولد اسمعیل بن ابراهیم علیه السلام - مشتمل بر چند قطعه حدیث و حکایت .

اخبار مدائنی

حارث بن ابو اسامه گوید : مدائنی ، ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابوسف مدائنی ، برده (سمره بن جندب ، و بقولی سمره بن حبیب بن عبد) شمس بن عبدمناف بود ، و ولادتش ، بروایتی که محمد بن یحیی از حسین بن فهم ، از خود مدائنی کرده ، در سال صدوسی و پنج است ، و در سال دویست و پانزده وفات یافت . بخت ابوبکر اخشید خواندم . که مدائنی از متکلمان و غلامان معمر بن اشعث بود . و گوید : حفص الفرد و معمر ، و ابوشمر^۳ . و ابوالحسن مدائنی ، و ابوبکر اصم ، و ابو عامر عبدالکریم بن روح ، هرشش نفر از غلامان معمر بن اشعث بودند . و گویند . چنانچه منهم آنرا بخت ابن کوفی خوانده ام : مدائنی در سال دویست و بیست و پنج ، در خانه اسحق بن ابراهیم موصلی در گذشت و ویژه او بود . و در آنوقت نود سال داشت - و از کتابهایش ، آنچه را که از روی نوشته ابوالحسن بن کوفی بیاد دارم این است .

در اخبار پیغمبر صلعم

کتاب امهات النبی ، صلعم . کتاب صفة النبی ، صلعم . کتاب اخبار المنافقین . کتاب

۱- ف (رباد الاشراف و شباب العرب و ماجری بینهما و ذکر ادعیاء الجاهلیه) .

۲- ف (بامه) .

۳- ف (ابوشمر) .

عهد النبى ، صلعم . كتاب تسمية المناقین و من نزل القرآن فيه منهم و من غيرهم . كتاب تسمية الذين يؤذون النبى صلعم و تسمية المستهزئين الذين جعلوا القرآن عذین . كتاب رسائل النبى صلعم^۱ . كتاب كتب النبى صلعم الى الملوك . كتاب ايات النبى صلعم (كتاب فتوح النبى) . كتاب صلح النبى صلعم . كتاب خطب النبى عليه السلام . كتاب عهد النبى صلعم (یکى دیگر) . كتاب المغازى .

ابوالحسن بن کوفى عقیده دارد که این کتاب در هشت جزء بخط عباس سائس^۲ بر پوست نوشته شده و نزد خود او میباشد . و در زیر همین فصل در جای دیگر اظهار عقیده کرده است که در دو جزء بوده و تألیف احمد بن حارث خزار است .

كتاب سرايا النبى صلعم . كتاب الوفود - مشتمل بر وفود : یمن ، وفود مصر ، وفود ربيعة . كتاب دعاء النبى صلعم . كتاب خبر^۳ الافک . كتاب ازواج النبى صلعم . كتاب السرايا . كتاب عمال النبى على الصدقات . كتاب مانهى عنه النبى صلعم . كتاب حجة ابى بكر الصديق رضى الله عنه . كتاب خطب النبى صلعم (كتاب اخبار النبى) . كتاب الخاتم والرسل . كتاب من كتب له النبى صلعم كتاباً و اماناً . كتاب اموال النبى و كتابه و من كان يرد عليه الصدقة^۴ من (قریش) العرب .

اخبار قریش

كتاب نسب قریش و اخبارها . كتاب العباس بن عبدالمطلب . كتاب اخبار ابيطالب و ولده . كتاب خطب على عليه السلام^۵ . كتاب عبد الله بن العباس . كتاب على بن عبد الله بن العباس . كتاب آل ابى العاص . كتاب ابى العيص . كتاب خبر الحكم ابن ابى العباس . كتاب عبد الرحمن بن سمرة . كتاب ابن ابى عتيق . كتاب عمرو بن الزبير . كتاب فضائل محمد بن الحنفية . كتاب فضائل جعفر بن ابيطالب . كتاب فضائل الحارث بن عبدالمطلب . كتاب فضائل عبد الله بن جعفر . كتاب معاوية بن عبد الله . كتاب عبد الله بن معاوية . كتاب (امر) محمد بن على بن عبد الله بن عباس . كتاب العاص بن امية . كتاب عبد الله بن عامر بن كرز . كتاب بشر بن مروان بن الحكم . كتاب عمر بن عبد الله بن معمر . كتاب هجاء حسان لقریش . كتاب فضائل قریش . كتاب عمرو بن سعيد بن العاص . كتاب يحيى بن عبد الله بن الحارث . كتاب اسماء من قتل من الطالبين . كتاب اخبار زياد بن ابيه^۶ كتاب مناكح زياد و ولده و دعوته . كتاب الجوابات . كه مشتمل است بر : جوابات قریش ، جوابات مضر . جوابات ربيعة ، جوابات موالى ، جوابات يمن .

۱- جب (عليه السلام) .

۲- ف (الناسى) .

۳- ف (حبر) .

۴- ف (بالصدقة) .

۵- ف (امية) .

۶- ف (النبى صلعم) .

کتابهای او در اخبار زنهای

اشراف و اخبار زنان

کتاب الصداق. کتاب الولائم. کتاب المناکح. کتاب النواکح والنواشز. کتاب المعبرات
کتاب المقینات^۱. کتاب المتردفات^۲. کتاب من جمع بین اختین و من تروج ابنت^۳ امراته
و من جمع اکثر من اربع و من تزوج مجوسیه. کتاب من کره مناکحته. کتاب من میل
عنها زوجها. کتاب من نهیت عن تزویج رجل فزوجته. کتاب من تروج من الاشراف من کلب.
کتاب من هجاها زوجها. کتاب من شکت زوجها اوشکاها. کتاب مناقضات الشعراء و اخبار
النساء. کتاب من تروج. فی ثقیف من قریش. کتاب الفاطمیات. کتاب من وصف امرأة
فاحسن. کتاب الکلبیات کتاب العواتک^۴. کتاب مناکح الفرزدق. کتاب البکر. کتاب من
تزوج من نساء الخلفاء.

در اخبار خلفاء

کتاب تسمیة الخلفا و کناهم و اعمارهم. کتاب تاریخ اعمار الخلفاء. کتاب تاریخ الخلفاء.
کتاب حلی الخلفا. کتاب اخبار الخلفا الکبیر - مشتمل بر اخبار: ابوبکر، عمر، عثمان،
علی علیه السلام، معاویه، یزید بن معاویه، معاویه، ابن زبیر، مروان بن حکم، عبدالملک، ولید،
سلیمان، عمر، یزید بن عبدالملک. هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید، یزید بن ولید،
سفاح، منصور، مهدی، هادی، رشید، امین (وشورش)، مأمون، و معتصم. کتاب اخبار السفاح.
کتاب آداب السلطان.

کتابهای او در وقایع

کتاب مقتل عثمان رضی الله عنه. کتاب الجمل. کتاب الردة. کتاب الفارات. کتاب
الخوارج. کتاب النهروان. کتاب خبر ضابی بن الحارث البرجمی. کتاب توبة بن مضر^۵
کتاب بنی ناجیه و الحریث بن راشد و مصقلة بن هبیره. (کتاب مختصر الخوارج) کتاب خطب
علی علیه السلام و کتبه الی عماله. کتاب عبدالله بن عامر الحضرمی. کتاب اسمعیل بن هبار.
کتاب عمرو بن الزبیر. کتاب مرج راهط. کتاب الربذة و مقتل خنیش^۶. کتاب اخبار الحجاج

۱- فی (المقینات) و مقینه بمعنی مشاط است (ر.ک. فرهنگ نفیسی).

۲- فی (المتردفات). ۳- فی (ابنه). ۴- فی (العوائل).

۵- فی (المضرس). ۶- فی (حبیش).

و وفاته. کتاب عباد بن الحصین. کتاب حره راقم^۱. کتاب ابن الجارود و روشنقباد^۲. کتاب مقتل عمرو بن سعید (بن العاص). کتاب زیاد بن عمرو بن اشرف العتکی^۳. کتاب خلاف^۴ عبد الجبار - الازدی و مقتله^۵. کتاب سلم^۵ بن قتیبه و روح بن حاتم . کتاب مقتل یزید بن عمرو بن هبیره . کتاب (المسور) بن عمر بن عباد الحبطی و عمرو بن سهیل. کتاب یوم سنبل .

کتابهای او در فتوحات

کتاب فتوح الشام ایام ابی بکر : اول خبر شام ، مرج الصقر ایام ابوبکر : خبر بصری ، خبر باقوصه^۶ ، خبر دمشق ؛ ایام عمر : خبر قحل ، خبر یرموک ، حمص ، الیا^۸ قیساریه ، عسقلان ، غزه ، قبرس .

کتاب فتوح العراق : خبر جسر ، خبر مهران و کشته شدن او در روز نخيله ، خبر قادیسیه ، مدائن ، جلولاء ، نهاوند .

کتاب البصرة و فتوحها - مشتمل بر : دستمیسان ، ولایت مغیره بن شعبه ، ولایت ابو موسی اشعری ، خبر اهواز ، خبر مناذر ، خبر شهر تیری ، خبر سوس ، خبر تستر^۹ خبر قلعه ، خبر هرمزان ، خبر ضبة بن محسن ، خبر جندیسابور ، خبر صهر تاح^{۱۰} ، قریه عبدی ، خبر سرق (خبر مهر جانقدق ، خبر ماسندان ، خبر قلعه سرق) ، خبر رامهرمز ، خبر بیهان . کتاب الاساوره^{۱۱} .

کتاب فتوح خراسان - مشتمل بر : ولایت جنید بن عبدالرحمن ، رافع بن لیث بن نصر بن سیار ، اختلاف روایات در خبر قتیبه در خراسان . کتاب نوا در قتیبه بن مسلم (بخراسان) . کتاب ولایه اسد بن عبدالله القسری . کتاب ولایه نصر بن سیار . کتاب الدولة . کتاب ثغر الهند . کتاب عمال الهند . کتاب فتوح سجستان . کتاب فارس . کتاب فتح الابله . کتاب اخبار ارمینیه . کتاب کرمان . کتاب فتح زابل و زابلستان^{۱۲} . کتاب القلاع و الاکراد . کتاب عمان . کتاب فتوح طبرستان . کتاب طبرستان ایام الرشید . کتاب فتوح مصر . کتاب الری و امر العلوی . کتاب اخبار الحسن بن یزید و ما مدح به من^{۱۳} الشعر و عماله . کتاب فتوح الجزیره .

- ۱- ف (حمرة واقمر) .
 ۲- ف (الجارود بن دوستقباد) .
 ۳- ف (العیلی) .
 ۴- ف (خلافة عبد الجبار الازدی و مقتله المسور) .
 ۵- ف (مسلم) .
 ۶- ف (الواقوصه) .
 ۷- ف (الواقوصه) .
 ۸- ف (ایلیا) .
 ۹- ف (تستوا) .
 ۱۰- ف (صهر باج) .
 ۱۱- ف (الاشارة) .
 ۱۲- ف (بابل و رامامسال) .
 ۱۳- ف (فی) .

(کتاب فتوح البامر)^۱ کتاب فتوح الیهواز . کتاب فتوح الشام . کتاب فتوح شهرک^۲ .
کتاب امر البحرین . کتاب فتح برقه . کتاب فتح مکران . کتاب فتوح الحیره . کتاب موادعة -
النوبه . کتاب خبر ساریة بن زنیم . کتاب فتوح الری . کتاب فتوح جرجان و طبرستان .

کتابهای او در اخبار عرب

کتاب البیوتات . کتاب الحیوان^۳ . کتاب اشراف عبدالقیس . کتاب اشراف ثقیف^۴ . کتاب
من نسب الی امه . کتاب من سمی باسم ابیه من العرب . کتاب الخیل والرہان . کتاب بناء -
الکعبه . کتاب خبر خزاعه . کتاب حما المدینہ و جبالها و اودیتها .

کتابهای او در اخبار شاعران

و دیگران

کتاب اخبار الشعراء . کتاب من نسب الی امه من الشعراء . کتاب العمائر . کتاب الشیوخ
کتاب الغرباء ، کتاب من هادن اوغزا . کتاب من افترض^۵ من الاعراب فی الادیوان فندم وقال
شعرا . کتاب المتمثلین . کتاب من تمثل بشعر فی مرضه . کتاب الابیات الی جوابها کلام .
کتاب النجاشی^۶ کتاب من وقف علی قبر فتمثل بشعر . کتاب من بلغه موت رجل فتمثل بشعرا و
کلام . کتاب من تشبه بالرجال من النساء . کتاب من فضل الاعرابیات^۷ علی الحضریات .
کتاب من قال شعرا علی البدیة . کتاب من قال شعرا فی الاوابد . کتاب الاستعداد علی الشعراء .
کتاب من قال شعرا فسمی به . کتاب من قال فی الحكومة من الشعراء . کتاب تفضیل الشعراء
بعضهم علی بعض . کتاب من ندم علی المدیح و (من) ندم علی المدیح علی الهجاء . کتاب من
قال شعر افاجیب بکلام . کتاب ابی الاسود الدوئلی . کتاب خالد بن صفوان . کتاب مهاجاة
عبدالرحمن بن جسان للنجاشی^۸ . کتاب قصیة خالد بن یزید فی الاحداث والملوک . کتاب اخبار
الفرزدق . کتاب قصیة عبدالله بن اسحاق بن الفضل بن عبدالرحمن . کتاب خبر عمران بن حطان ،

۱ - ظاهراً (بامهر) بکسر میم است که در ده فرسنگی ری در راه طبرستان قرار دارد
(معجم البلدان) .

۲ - ف (سهرل) و ظاهراً سرك بفتح سین و از دهات دهستان طوس در خراسان است
(معجم البلدان) .

۳ - ف (الحران) . ۴ - ف (نهیف) .

۵ - ف (افرض) . ۶ - ف (النجاشی) . ۷ - ف (العربیات) .

۸ - ف (النجاشی) .

و از تألیفات اوست :

کتاب الاوائل . کتاب المتیمین^۱ . کتاب التعازی . کتاب المنافرات . کتاب الاكله^۲ . کتاب من جرد من الاسراف^۳ . کتاب العقبة والبردة . کتاب المسیرین . کتاب القيافة والفال والزجر (کتاب المروة) . کتاب الحمقى . کتاب الضراطین . کتاب خصومات الاشراف . کتاب الخیل : کتاب التمنى . کتاب الجواهر . کتاب المقتبس . کتاب المسومین . کتاب کان یقال . کتاب ذم- الحسد^۴ . کتاب من وقف علی قبر . کتاب الحیل . کتاب من استحبیت دعوته . کتاب قضاة- اهل المدينة . کتاب قضاة اهل البصرة . کتاب اخبار رقبة بن مصقلة . کتاب مفاخرة^۵ العرب والعجم . کتاب مفاخرة اهل البصرة واهل الكوفة . کتاب ضرب الدراهم والصرف . کتاب اخبار اياس بن معاوية . کتاب اخبار اصحاب الكهف . کتاب صلاح المال . کتاب مكة . کتاب خطبة واصل . کتاب ادب الاخوان . کتاب المقطعات المتحیرات^۶ . کتاب اخبار ابن سيرین . کتاب الرسالة الى ابن ابی دؤاد . کتاب النوادر . کتاب اخبار المختار . کتاب المدينة . کتاب المحتضرين - بمعنی جوان مرگ شده گان . کتاب معرفة المراقب و الرسوم . کتاب المراعی والجراد مشتمل بر : شهرستانها و کرانهها و جمع آوری مالیات آنها . کتاب الجوابات ، (و نیز کتابی دارد بنام : کتاب المحاسن و در آن آداب مورد نیز در معاشرت با پادشاهان ذکر شده است) .

اخبار احمد بن حارث خزاز

مصاحب مدائنی

بخط ابن کوفی خواندم که : ابو جعفر احمد بن حارث بن مبارک ؛ برده منصور ، از مردم بغداد بود ، و سری بزرگ و ریشی بلند و انبوه و صورتی زیبا ، و دهانی فراخ و شکستگی زبان داشت . یکسال پیش از مرگش خضاب رنگینی میجست و علت را که از وی پرسیدند گفت چنین دانسته‌ام که نکیر و منکر همینکه دیدند مرده با خضاب است منکر بنگیر گوید : از او کناره جوئی کن .

۱- ف (المتیمین) . ۲- ف (الابله) . ۳- من جور من الاشراف) .
 ۴- ف (الجنید) . ۵- ف (مفاخر) . ۶- ف (المنقطعات المتجردات) .

و بنیر از خط ابن کوفی دارد که : احمد راویة مدائنی و عتابی بود ، وجدش را برای منصور آورده بودند تا او را میان دربانان خود^۱ درآورد ، و نامش ، حسان و از اسیران یمامه^۲ بود ، احمد طبع شعر داشت ، و از شعر اوست :

أَنَا أَمْرٌ لَا أَرَى بِالْبَابِ أَقْرَعَهُ إِذَا تَمَنَّعَ دُونِي حَاجِبُ الْبَابِ^۳
وَلَا أَلَوْمُ أَمْرٌ فِي وَدِّ ذِي شَرَفٍ وَلَا أَطَالِبُ وَدَّ الْكَارِهِ الْإِبِي^۴

و بیشتر اشعارش در مذمت دربانان است ، احمد در ذی حجه سال دوست و پنجاه و هشت در گذشت ، و منزلش در باب الکوفه بود ، و در گورستان همانجا بخاک سپرده شد . و وفات او را در پنجاه و شش هم گفته اند . از کتابهای اوست : کتاب المسالك والممالك . کتاب اسماء الخلفاء و کناهم^۵ و الصحابة . کتاب مغازی البحر فی دولة بنی هاشم و ذکر ابی حفص صاحب اقریطش . کتاب القبائل . کتاب الاشراف . کتاب مانهی النبی صلعم عنه . کتاب ابناء السراى . کتاب نوادر الشعر . کتاب مختصر کتاب البطون . کتاب مغازی النبی صلعم و سراياه و ذکر ازواجه . (کتاب جمهرة ولدالحرب بن کعب و اخبار هم فی الجاهلیة) . کتاب اخبار ابی العباس . کتاب الاخبار والنوادر . کتاب شحنة البرید . کتاب النسب . کتاب الحلائب والرهان

ابو خالد غنوی

این کتابها از اوست : کتاب اخبار غنی و انسابهم . کتاب الانساب .

اخبار ابن عیده

(محمد بن عبده بن سلیمان بن حاجب عبیدی ، و نام عبده) عبدالرحمن ، و لقبش عبده و کنیه اش ابو عبدالرحمن بود . و فرزندش محمد با بوبکر کنیه داشت . و خود او یکی از علماء مورد اعتماد ، در انساب بود که معرفت خوبی بمآثر ، و اخبار ، و سرگذشت عرب داشت و از کارکنان دولتی بشمار میرفت . و این کتابها از اوست : کتاب النسب الکبیر - مشتمل بر انساب قبائل به پیکره کتاب هشام کلبی . کتاب مختصر اسماء القبائل . کتاب الکافی فی النسب .

- ۱- ف (من اسرى جده المنصور لیجعل فی الموالی) جب (ممن اسرى جده للمنصور لیجعل فی البوابین) .
- ۲- رجوع شود بصفحة ۴۱ .
- ۳- من کسی نیتم در بخانه را بکوبیم اگر دربانش خودداری از بازی کردن آن بروی من داشته باشد .
- ۴- و هیچ کسی را بدوستی با شرافتمندان نکوهش نکنم و از کسیکه کراهت و خودداری داشته باشد خواستار دوستی نیستم .
- ۵- ف (و کتابهم) .

کتاب مناکیح المهلب . کتاب نسب ولدابی صفره و المهلب و ولده . کتاب معدبن عدنان و قحطان . کتاب مناقب قریش . کتاب نسبی بنی فقعس بن طریف بن اسد بن خزیمه . کتاب الامهات . کتاب نسب الاخنس بن شریق الثقفی . کتاب نسب کنانه . کتاب ابی جعفر المنصور . کتاب اشراف بکر و تغلب و فرسانهم و ایامهم و مناقبهم و احلافهم^۱ کتاب اسماء فحول - الشعراء . کتاب الشجعاء .

اخبار علان شعوبی

علان بن ... شعوبی ، از نژاد ایران و روایه ایست که بانساب ، و مثالب ، و مناقرات معرفت داشته و ویژه بر مکیان بود ، و در بیت الحکمه برای رشید و مأمون و بر مکیان نسخه برداری میکرد . و در مثالب عرب کتاب الميدان را تألیف نموده و در آن پرده از روی مثال آنها برداشته و آن را برملا نمود . و بخط ابن شاهین خواندم که کتابی بنام الحلیه در دست تألیف داشته که ناتمام مانده و از میان رفته است . و از کتابهای اوست : کتاب (المیدان) فی المثالب مشتمل بر : مثالب قریش و صنایع و تجارت آنها ، مثالب تیم بن مره بن کعب ، مثالب بنی اسد بن عبدالعزی . مثالب بنی مخزوم بن یقطه بن مره بن کعب ، مثالب سامة بن لوی ، مثالب عبدالدار بن قصی . مثالب ولد زهره بن کلاب ، مثالب بنی عدی بن کعب ، مثالب سعد بن لوی ، مثالب الحارث بن لوی ، مثالب خزیمه بن لوی ، مثالب عوف بن لوی ، مثالب عامر بن لوی ، مثالب اسد بن خزیمه ، مثالب هذیل بن مدرکه ، مثالب بنی امرؤ القیس بن زید بن مناة بن تمیم ، مثالب بنی طابخه بن الیاس ، مثالب بنی ضبه بن اد ، مثالب مزینه بن اد^۲ ، مثالب عدی بن الرباب : مثالب عکل ، مثالب بلعم بن تیم ، مثالب تمیم ، مثالب عمرو بن تمیم . اسد ، لحم ، قین . مآرب ، حبط ، یربوع ، بنودارم ، براحم^۳ ربیعه الجوع ، بنو سعد بن زید مناة ، مثالب قیس عیلان ، مثالب غنی ، مثالب باهله ، مثالب بنی سلیم بن منصور ، مثالب نمیر^۴ مثالب عامر بن صعصعه ، مثالب فزاره ، بنومره بن عوف بن غطفان ، عبس بن بقیض ، ثقیف ، مثالب ربیعه . مثالب عجل بن لجیم ، مثالب تغلب بن وائل ، مثالب یشکر بن بکر ، مثالب نمر بن قاسط ، مثالب سدوس بن شیبان ، مثالب عنقره بن اسد ، مثالب تیم اللات بن ثعلبه ، مثالب حنیفه بن لجیم ، مثالب بنی شیبان^۵ ، مثالب عبدالقیس ، مثالب ایاد (که مفصل نیست) مثالب یمن که مفصل نیست^۵ ، اوس ، خزرج ، قضاعه ، طی ، بنو حارث بن کعب ، نخع ؛

۱- ف (واجلائهم) .

۲- ف (راحم) .

۳- ف (غیره) .

۴- ف (بنی سنان) .

۵- ظاهراً جعله (مفصل نیست) متعلق با یاد میباشد که

در (جب) آمده و فلو کل بعد از مثالب یمن آنرا آورده زیرا مثالب یمن مفصلاً ذکر گردیده است.

خزاعه ، غسان ، كنده ، اشعرون^۱ لخم . جذام ، عنس ، مراد ، سكاسك ، قين ، نهد ، زبيده ، بجيله^۲ همدان ، حضرموت ، حمير .

و از كتابهائي كه اختصاص بيكي دارد : كتاب فضائل كنانه . كتاب نسب النمر بن قاسط . كتاب نسب تغلب بن وائل . كتاب فضائل ربيعه . كتاب المنافرة .

اخبار محمد بن حبيب

ابو جعفر محمد بن حبيب بن امية بن عمرو . وسكري نوشته است ، ابوالقاسم حجازي صاحب كتاب التاريخ الملحق از قول محمد بن عبدالملك گوید : كه ابوالقاسم عبدالعزيز بن عبدالله هاشمي بمن گفت : محمد بن حبيب برده ما - يعنى برده بنى عباس بن محمد بود ، و مادرش حبيب نيز كنيزك ما بوده و حبيب مادرش بود نه پدرش .

محمد بن اسحاق گوید: كه او از علماء درانساب ، و اخبار ، و لغت ؛ و شعر ؛ و قبائل بود ، و قطعه از اشعار عرب را جمع كرد ، و از ابن اعرابي ، و قطرب . و ابو عبیده ، و ابویقظان و ديگران روايت مينمود ، و كارش ادب آموزي ، و كتابهايش صحيح و بي نقص بود ، و فاتش ... و اين كتابها از اوست : كتاب الامثال على افعال (المنمق) . كتاب النسب . كتاب السعود و العمود . كتاب العمائر و الربائع في النسب . كتاب الموشح . كتاب المؤتلف و المختلف في النسب . كتاب المخبر . كتاب المقننى . كتاب غريب الحديث . كتاب الانواء . كتاب المشجر . كتاب الموشا . كتاب من استجيب دعوته .

(بخط ابن كوفى) . كتاب (المذهب فى) اخبار الشعراء و طبقاتهم . كتاب نقائض جرير بن عمر بن لجا . كتاب نقائض جرير و الفرزدق . كتاب الجحوف . كتاب تاريخ الخلفاء . كتاب من سمى ببيت قاله . كتاب مقاتل الفرسان كتاب الشعر او انسابهم . (كتاب القاب الشعراء) . كتاب كنى الشعراء^۳ . كتاب العقل . كتاب السمات^۴ . كتاب امهات النبى صلّم . كتاب (ايام) جرير التى ذكرها فى شعره . كتاب امهات اعيان بنى عبدالمطلب كتاب المقتبس . كتاب امهات السبعة^۵ من قریش . كتاب الخيل^۶ و باز بنوشته ابن كوفى . كتاب النبات . كتاب الارحام التى بين رسول الله و بين اصحابه سوى العصابة . القاب النمر و ربيعه رمض . كتاب الالقاب - مشتمل بر القاب قبائل . كتاب القبائل الكبير و الايام . و اين كتاب را براى فتح بن خاقان جمع كرد و همان نسخه را من نزد ابوالقاسم بن ابو خطاب بن فرات در ورقى طلحي دیدم كه بیش از بيست جزء بود ،

۱- ف (الاسعدون) .

۲- ف (بخيله) .

۳- ف (كنز الشعراء) .

۴- ف (السمات) .

۵- ف (الشيعه) .

۶- ف (الخيل) .

و مقدری هم کم داشت، و نشان میداد در حدود چهل جزء میباشد، و هر جزء بیش از دویست ورق بود. و فهرستی از محتویاتش نسبت بقبائل و ایام دارد که بخط سندی^۱ بن علی وراق در پانزده ورقه کاغذ طلحی و بخطی نازک^۲ نوشته شده که من خلاصه آنرا ذکر خواهم کرد (انشاءالله).

خلاد بن یزید باهلی

یکی از راویان اخبار و قبائل و اشعار است که تصنیفی از او ندیده‌ام.

عمر بن بکیر

از اصحاب حسن بن سهل، و از اخباریان، و راویه، و نسابه بود. و فراء کتاب معانی القرآن را برای او تألیف کرد. و این کتابها از اوست: کتاب یوم الغول. یوم الطهر^۳. یوم ارمام، یوم الکوفه. غزوة^۴ بنی سعد بن زید مناه، یوم منابض.

ابن ابواویس

یکی از راویان لغت، و انساب، و مآثر است، که فصحاء اعراب را دیده و از ابوسهل سعد بن سعید، پاره از کتاب حصری^۵ را در غریب روایت کرده است.

ابن نطاح

ابوعبدالله محمد بن صالح بن نطاح، راوی حسن بن میمون، و اول کسی است که درباره دولت و اخبار آن کتابی تألیف کرده است. ابن نطاح از ابراهیم بن ردان^۶ بن سنان بصری حکایاتی نقل نموده و در شمار اخباریان و نسابان و راویان سنن^۷ بود. و این کتابها از اوست: کتاب افخاذ العرب. کتاب البیوتات. کتاب الرد علی ابی عبیده فی کتاب الدیباچ. کتاب انساب ازد عمان. کتاب مقتل زید بن علی علیهما السلام.

سلمویه

بن صالح لیثی، از راویان اخبار و انساب، و مؤلف این کتابهاست: کتاب الدوله - و

۱- ف (التسری).

۲- ف (جرک) (جب نازک) رجوع شود بصفحه ۱۳۱ همین کتاب.

۳- ف (الطهر).

۴- ف (عزوة).

۵- ف (حصری).

۶- ف (زدان).

۷- جب (سیر).

در آن از گروهی از نسابان روایت کرده است .

سکری

نامش حسن بن سعید (از نسابان) . و این کتابها از اوست : کتاب انساب بنی عبدالمطلب . کتابی است بزرگ .

ابن عبدالحمید کاتب

ابوالفضل محمد بن احمد بن عبدالحمید کاتب ، از دانایان سیرت و مؤلف این کتاب است : کتاب اخبار خلفا بنی العباس - کتابیست بزرگ .

ابن ابو ثابت زهری

نامش عبدالعزیز بن عمران زهری ، و از کتابهای اوست : کتاب الاحلاف .

عمینه بن منهال

کنیه اش ابومنهل ، راوی اخبار ، و امثال ، و انساب ؛ و این کتابها از اوست : کتاب الابیات السائرة . کتاب المبیانات . کتاب الامثال السائرة . کتاب السراب .

راوندی

مؤلف کتاب اخبارالدوله^۱ است که بخوبی از کار در آورده ، و من مقدار کمی از آن را دیده ام ، وی مجلسی برای راوندیان داشت که آن کتابرا بر وی میخواندند ، و اخبار دولت را از وی میگرفتند . و این کتاب از اوست : کتابالدوله - در حدود دوهزار ورق .

ابن شیب

مکنی بابوسعید ، عبدالله بن شیب ربعی بصری . از اخباریان ، و از کتابهای اوست : کتاب الاخبار والاثار . بروایت ثعلب از او .

غلابی

ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی ، یکی از راویان سیرت و احداث و مغازی